

بحران جهانی ۲۰۰۸ و رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول

دکتر سهراب شهابی^۱ / حسن شاه‌بیگ^۲

Shahabiss@yahoo.com

^۱ دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه

h.shahbeig@yahoo.com

^۲ دانش آموخته کارشناسی ارشد دیپلماسی و سازمان‌های بین‌المللی

تاریخ تصویب: ۱۳۹۶/۷/۱۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۶/۱۰

چکیده

یکی از عناصر اصلی در شکل‌گیری رویکردها و سیاست خارجی کشورها به تحولات و رویدادهای بین‌المللی مربوط می‌شود. بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ به‌عنوان یکی از مهمترین این رویدادها که ریشه در شرایط اقتصادی داخلی قدرتمندترین بازیگر نظام بین‌الملل یعنی آمریکا داشت، موجب ایجاد تغییرات چشمگیری در رویکردهای جهانی نسبت به نظام مدیریت بین‌المللی پول و زیر مجموعه آن یعنی صندوق بین‌المللی پول گردید. بر این اساس، بازیگران رسمی نظام بین‌الملل (دولت‌ها)، به‌ویژه بازیگرانی که دارای نقش حداقلی در این نظام می‌باشند، تلاش نمودند تا از فرصت به‌وجود آمده، بیشترین بهره‌برداری را به‌عمل آورند و اصلاحات مورد نظر خود را در صندوق اعمال نمایند. دغدغه ایجاد شناخت از رویکردهای اتخاذ شده توسط کشوری همانند جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از بازیگران رسمی نظام بین‌الملل و دارای رویکرد کلی انقلابی و غیر همسو با منافع غرب، پژوهشگران نوشتار حاضر را بر آن داشت تا ضمن ارائه نگاهی توصیفی - تحلیلی به جایگاه این کشور در اقتصاد جهانی و نیز رویکردهای آن نسبت به مسائل مهم بین‌المللی اقتصاد، به تحلیل درخصوص رویکردهای این کشور در قبال موضوع مدیریت بین‌المللی پول و صندوق بین‌المللی پول بویژه پس از تحولات صورت گرفته در صندوق پس از بحران ۲۰۰۸ بپردازند. تجزیه و تحلیل عملکرد، سخنرانی‌ها، مواضع اعلامی، مکاتبات رسمی و مصاحبه‌های مقامات اقتصادی و پولی جمهوری اسلامی ایران به‌ویژه در جریان برگزاری اجلاس‌های مشترک بهاره و پاییزه بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول در دوره‌های قبل و پس از بحران ۲۰۰۸ بیانگر آن است که سیاست خارجی این کشور، پس از بحران جهانی ۲۰۰۸، از رویکرد معطوف به بازی در محیط حاشیه‌ای نظام مدیریت بین‌المللی پول (سازوکارهای منطقه‌ای، دوجانبه، بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ جهان) به‌سمت رویکرد اصلاح بازیگر مرکزی آن، یعنی صندوق بین‌المللی پول، تغییر یافت.

▪ **واژگان کلیدی:** بحران جهانی ۲۰۰۸، مدیریت بین‌المللی پول، صندوق بین‌المللی پول، کشورهای در حال توسعه

مقدمه

سیاست خارجی به معنای روندی است که طی آن منافع یا خواسته‌های ملی به تعامل با عوامل و شرایط متغیر بین‌المللی می‌پردازند. به بیان دیگر، سیاست خارجی کشورها برآیند شرایط و مقتضیات محیط داخلی و خارجی آنهاست؛ عنصر داخلی بیانگر اصول، مبانی و اهداف سیاست خارجی به انضمام مقتضیات داخلی هر کشور و عنصر خارجی بیانگر اصول، مبانی و اهداف متصوره برای نظام بین‌الملل به انضمام تحولات و رویدادهای جهانی می‌باشد. به همین خاطر، حتی با وجود عدم تغییر در اصول، مبانی و اهداف سیاست خارجی یک کشور، در دوره‌های مختلف، ممکن است به واسطه رویدادهای مختلف جهانی یا منطقه‌ای، رویکردها یا سیاست‌های مختلفی در قبال دنیای خارج از کشور اتخاذ یا اجرا گردد. ولی موضوع جالب توجه در این نکته نهفته است که سیاست خارجی کشورها علیرغم داشتن گوناگونی در شرایط و مقتضیات مختلف (اهداف ملی تاکتیکی)، در مسیر یک جریان اصلی (اهداف ملی استراتژیک) در حرکت می‌باشد.

بنابراین، جمهوری اسلامی ایران نیز به‌عنوان یکی از بازیگران نظام بین‌الملل، علیرغم داشتن رویکرد استراتژیک کلان، در دوره‌های مختلف و با توجه به شرایط، مقتضیات و تحولات داخلی و خارجی متفاوت، رویکردهای تاکتیکی مختلفی را به اجرا می‌گذارد. به‌عنوان مثال، در حالی که در دوره ۹ ماهه دولت موقت (۱۹۷۹)، شاهد نزاع بین رویکرد انقلابی و اصلاح‌گرایانه در سیاست خارجی بود، در دوره جنگ تحمیلی (۱۹۸۰-۱۹۸۸)، یکی از شاخصه‌های اصلی آن شامل مشارکت حداقلی در سازمان‌های بین‌المللی می‌گردید. در دوره بعد از جنگ سیاست خارجی تنش‌زدایی و سپس اعتمادسازی را در پیش گرفت که البته همه آنها در داخل جریان اصلی یا راهبردی سیاست خارجی جمهوری اسلامی تعریف می‌شوند. در پیش گرفتن هر یک از سیاست‌های فوق، تأثیر مستقیمی بر نوع سیاست خارجی این کشور در قبال مسائل اقتصاد بین‌الملل و سازمان‌های بین‌المللی، از جمله موضوع مدیریت بین‌المللی پول و زیر مجموعه آن یعنی صندوق بین‌المللی پول داشته است؛ به نحوی که در دوره جنگ ۸ ساله شاهد حداقل همکاری‌ها با صندوق بود و پس از آن در راستای ایجاد مناسبات عادی با آن در حرکت بوده

است. یکی از عناصر اصلی در شکل‌گیری رویکردها و سیاست خارجی هر کشوری به تحولات و رویدادهای بین‌المللی ارتباط پیدا می‌کند. بعضی از رویدادهای بین‌المللی از چنان اهمیتی برخوردار می‌باشند که از آنها به‌عنوان نقطه عطفی در تاریخ روابط بین‌الملل یاد می‌شود. به‌عنوان مثال، بحران بزرگ ۱۹۲۹، از یک طرف موجب ایجاد اختلال در اقتصاد، تجارت و امور پولی و مالی جهانی گردید و از طرف دیگر، بعضی از نویسندگان از آن به‌عنوان یکی از دلایل وقوع جنگ جهانی دوم یاد کرده‌اند. همچنین این بحران نه‌تنها منجر به زیر سؤال بردن نظریه‌های نئوکلاسیکی آلفرد مارشال^۱ مبنی بر باور به لزوم عدم دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی گردید، بلکه به بروز نظریه کینزین^۲ و متعاقباً شکل‌گیری نظام برتون‌وودز و ایجاد صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی انجامید.

بحران جهانی ۲۰۰۸ نیز، به‌عنوان بزرگترین رویداد بین‌المللی اقتصادی پس از بحران بزرگ، علاوه برداشتن پیامدهای داخل کشوری از قبیل ایجاد رکود و بیکاری به‌ویژه در کشورهای توسعه‌یافته و کشورهایی که بیشتر در نظام جهانی اقتصاد ادغام شده بودند، کاهش تقاضای خارجی برای کالاهای کشورهای درحال توسعه، کاهش تقاضای مواد خام و کاهش کمک‌های توسعه‌ای برای کشورهای کمتر توسعه‌یافته، دارای پیامدهای بین‌المللی نیز بوده است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: تقویت گروه ۲۰ و ارتقاء جایگاه آن در مدیریت جهانی اقتصاد؛ توجه نگاه‌ها به‌سمت صندوق بین‌المللی پول و ضرورت اعمال اصلاحات لازم در آن؛ به‌چالش کشیده شدن ظرفیت مدیریتی مؤسسات مربوط به حکمرانی جهانی از جمله صندوق بین‌المللی پول در نظام مدیریت جهانی اقتصاد؛ تقویت منطقه‌گرایی و شکل‌گیری بلوک‌های منطقه‌ای جدید؛ چرخش نظام جهانی از جهان مالی با تفوق غربی به سمت جهان مالی جهانی شده‌تر؛ تقویت دیپلماسی اقتصادی بین‌المللی؛ توجه به توسعه حقوق بین‌الملل اقتصادی در زمینه جریان‌ات آزاد سرمایه‌ای؛ به‌چالش کشیده‌شدن نئولیبرالیسم و فراهم شدن زمینه پذیرش نظریه‌های کینزی در روایت‌های نئوکینزی؛ تقویت جایگاه جهانی اقتصادی اقتصادهای درحال ظهور به‌ویژه چین درکنار کاهش قدرت اقتصادی آمریکا در دنیا؛ تغییر مکان جغرافیایی کمک‌های مالی صندوق از کشورهای درحال توسعه به‌سمت کشورهای اروپایی؛ و ایجاد پدیده‌های اجتماعی از قبیل جنبش وال‌استریت در سال ۲۰۱۱ در ایالات متحده یا شورش‌های مردمی در کشورهای اروپایی.

بحران جهانی ۲۰۰۸، پایه‌های اقتصادی شکل گرفته مبتنی بر مکتب نئولیبرالیسم را مورد سؤال قرارداد و سال‌های بعد از آن را می‌توان به دوره‌گذاری تشبیه کرد که طی آن سیاست خارجی کشورهای ثروتمند دنیا در راستای حفظ وضع موجود (با اعمال اصلاحات حداقلی)، و در نقطه مقابل آن یعنی سیاست خارجی کشورهای در حال توسعه در راستای پیگیری سیاست‌های مبتنی بر اعمال اصلاحات حداکثری در نظام پولی و مالی بین‌المللی موجود یا تغییر ساختار آن در حرکت بوده است. پیامدهای فوق، نظام حاکم را وادار نمود تا دست به اقدامات جدیدی در راستای ایجاد ثبات و جلوگیری از تغییرات بنیادین در خود بزند که یکی از مهمترین آنها در تغییر و تحولات صورت گرفته در صندوق بین‌المللی پول بروز پیدا کرد. از جمله اقدامات توافق شده در این زمینه می‌توان به اصلاح سهمیه‌ها و حکمرانی در صندوق^۳، ایجاد حصار امنیتی در مقابل بحران و افزایش منابع صندوق به بیش از هزار میلیارد دلار^۴، اصلاح چارچوب وام‌دهی (شامل توجه بیشتر به ویژگی‌های خاص هر کشور در ارائه وام، ایجاد خط اعتباری منعطف و خط اعتباری احتیاطی و نقدینگی)، تقویت برنامه کمک به فقیرترین مناطق جهان^۵، و تقویت تجزیه و تحلیل و توصیه سیاست‌گذاری صندوق (تغییر شکل مجمع ثبات مالی به شورای ثبات مالی و تقویت برنامه نظارتی صندوق) اشاره نمود.

بنابراین، طبیعی است که کشوری همانند جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه که دارای نقش و جایگاه حداقلی و حاشیه‌ای در نظام مدیریت جهانی اقتصاد شامل مدیریت بین‌المللی پول و صندوق بین‌المللی پول می‌باشد، نیم‌نگاهی به اوضاع و شرایط به‌وجود آمده پس از بحران ۲۰۰۸ داشته باشد و در تنظیم رویکردها و سیاست خارجی خود در قبال موضوع مدیریت بین‌المللی پول به آنها توجه نماید.

مقاله حاضر با در نظر گرفتن چهار نوع سیاست خارجی شامل تغییر وضع موجود، اصلاح وضع موجود، حفظ وضع موجود، و تقویت وضع موجود، در تلاش خواهد بود تا از طریق بررسی جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل و نظام مدیریت جهانی اقتصاد، ضمن بررسی تحلیلی رویکردهای مقامات عالی‌رتبه اقتصادی و پولی آن در دوره‌های قبل و پس از بحران ۲۰۰۸، به بررسی تغییر یا تغییرات احتمالی صورت گرفته در رویکردهای این کشور پس از بحران مذکور در قبال صندوق بین‌المللی پول بپردازد.

مرور آثار منتشره و پژوهش‌های انجام گرفته در زمینه بحران جهانی ۲۰۰۸ و نیز موضوع مدیریت بین‌المللی پول نشان داد که بحث‌های پراکنده‌ای در زمینه بحران و پاسخ‌های صندوق به آن صورت گرفته است ولی پژوهش مستقلی در خصوص موضوع قانونی این پژوهش یعنی رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال صندوق بین‌المللی پول پس از بحران ۲۰۰۸ صورت نگرفته است. علاوه بر این، ترکیب منابع کتابخانه‌ای و رویکرد نئوکینزینی پژوهش حاضر، این مقاله را از سایر تحقیقات صورت گرفته متمایز نموده و بر نوآوری آن افزوده است.

در یک دسته‌بندی کلی، پژوهش‌های منتشره در زمینه مدیریت بین‌المللی پول را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی نمود. دسته اول، نوشتارهایی هستند که به دنبال ایجاد تغییرات و اصلاحات اساسی و بنیادین در نظام مدیریت بین‌المللی پول می‌باشند. تمرکز مطالعاتی این دسته از نوشتارها بر مسائل کشورهای در حال توسعه می‌باشد و وضعیت باثبات‌تر جهانی را در توجه به مسائل مبتلابه کشورهای مذکور در نظر می‌گیرد. از جمله موارد قابل ذکر در این دسته می‌توان به کتاب‌ها، مقاله‌ها و گزارش‌های ذیل اشاره کرد: کتاب «دیپلماسی اقتصادی نوین»، ضمن بررسی موضوع دیپلماسی اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، به مطالعه در خصوص وضعیت سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی، از جمله ایرادات وارده به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی پرداخته و این سازمان‌ها را از حیث سطح دموکراسی، تعداد وزارت‌خانه‌های درگیر در آن و شفافیت مورد بررسی قرار می‌دهد (باین و ولکاک، ۱۳۸۸). کتاب «جهانی‌سازی و مسائل آن»، نوشته جوزف استیگلیتز، بر تحریف صندوق از اصول کینزی خود و در نتیجه ایجاد رکود و بیکاری و بدتر شدن بحران‌ها در کشورهای گرفتار در آن تصریح داشته و سعی بر آن دارد تا تابوی دقت توصیه‌های سیاست‌گذاری اقتصادی ارائه شده توسط صندوق را از بین ببرد (استیگلیتز، ۱۳۸۴). استیگلیتز در کتاب دیگر خود تحت عنوان «نگاهی نو به جهانی‌شدن» نیز ضمن وارد آوردن انتقادات متعدد به عملکرد صندوق در نظام جهانی و رد نظریه‌های لیبرال‌های اقتصادی، به انتقاد از آزادسازی افسارگسیخته‌ای می‌پردازد که موجب وخیم‌تر شدن اوضاع برای بعضی از گروه‌ها می‌گردد. در این راستا، وی به بعضی از اصلاحات مورد نیاز در سازمان‌های بین‌المللی پولی و

مالی، از جمله صندوق بین‌المللی پول اشاره می‌کند (استیگلیتز، ۱۳۸۶). کتاب دیگری تحت عنوان «جهانی‌شدن و جنوب (برخی مباحث انتقادی)» جهانی‌شدن را فرآیندی نابرابر با توزیع نابرابر سودها و زیان‌ها در نظر می‌گیرد که به ایجاد گروه‌های ثروتمند و فقیر در بعد جهانی و نیز در داخل جوامع مختلف انجامیده است. این کتاب با انتقاد از وضعیت کنونی نظام اقتصاد بین‌الملل، آن را در راستای منافع شرکت‌های کشورهای توسعه‌یافته در نظر می‌گیرد و بر حفظ سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی موجود، و البته با ایجاد اصلاحاتی در آنها، تأکید دارد. مطالعه این کتاب خواننده را به درک نسبی از نوع نگاه و مسائل مبتلا به کشورهای در حال توسعه در خصوص مسائل اقتصاد بین‌الملل از جمله نظام مدیریت بین‌المللی پول می‌رساند (خور، ۱۳۹۲). کتاب دیگری تحت عنوان «اصلاح حکمرانی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی»^۱ سعی بر آن دارد تا به مواضع کشورهای در حال توسعه در زمینه موضوعات مربوط به صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بپردازد. در این کتاب مهمترین چالش‌های نهادها بر تون و ودزی در ساختار حکمرانی و کنترل آنها در دست گروه کوچکی از کشورهای صنعتی بی‌نیاز از منابع آنها در نظر گرفته شده و بر اصلاح ساختار نهادها مذکور در راستای برطرف نمودن مشکلات عمده پولی و مالی جهان و نیز فقرزدایی تأکید شده است (Buira, 2005). مقاله «کمپلکس وال استریت، صندوق بین‌المللی پول و اجماع واشنگتن» نوشتار دیگری است که با توضیح در خصوص عواملی همچون ساختار قدرت در نهادهای مالی بین‌المللی، اجماع واشنگتن و مکتب اصالت پول، به تشریح رواج افسارگسیختگی در بازارهای مالی تحت عنوان "خودساماندهی بازار"، مهندسی کالاهای نوین مالی و تجارت ریسک و رسالت بخش اقتصاد (مجازی) در اقتصاد واقعی می‌پردازد (نقی‌زاده، ۱۳۹۱). مقاله دیگری تحت عنوان «اصلاحات صندوق بین‌المللی پول پس از بحران مالی جهانی: اجازه بدهید صندوق واقعیات را با قدرت در میان بگذارد»^۲ ضمن بررسی نحوه اداره صندوق بین‌المللی پول به انتقادات وارده به صندوق می‌پردازد و بزرگ‌ترین ایراد وارده به آن را در نفوذ دولت‌های عضو بزرگ در تصمیم‌گیری‌ها در نظر می‌گیرد. با وجود این، مقاله مذکور اذعان می‌نماید که طی یک دهه گذشته فعالیت‌های

^۱ Reforming the Governance of the IMF and the World Bank

^۲ IMF Reform in the aftermath of the Global Financial Crisis: Let the IMF Speak Truth to Power

صندوق از شفافیت بیشتری برخوردار شده است (Luecke, 2009). مقاله «نقش‌ها و اصلاحات پسابحرانی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی»^۱ نیز نوشتار دیگری است که بر عملکرد ناموفق صندوق و بانک جهانی در اعمال اقدامات پیشگیرانه در مقابل بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ تصریح نموده و ضمن اشاره به اصلاحات انجام‌شده به رهبری اجلاس سران گروه ۲۰ در زمینه‌های ساختار حکمرانی و تغییر درصدهای سهمیه‌ها و حق‌رای‌ها، بر انجام تغییرات بنیادین در راستای جلوگیری از تکرار بحران اقتصادی جهانی تأکید می‌نماید (Lee, 2011). گزارش تحت عنوان «گزارش کمیته خبرگان در خصوص اصلاحات حکمرانی صندوق بین‌المللی پول»^۲ که به سرپرستی ترور مانوئل^۳ در سال ۲۰۰۹ تهیه گردید، بر فقدان اثربخشی ساختار حکمرانی صندوق در بسیاری از مقولات تمرکز داشته و درخصوص علل آن بحث نموده و راه‌حلهایی را ارائه می‌نماید (Manuel and others, 2009). گزارشات مختلف دفتر ارزیابی مستقل صندوق به‌ویژه گزارش سال ۲۰۰۸ آن درخصوص حکمرانی در صندوق تحت عنوان «حکمرانی صندوق بین‌المللی پول: یک ارزیابی»^۴ که به ارزیابی ترتیبات بین‌المللی رسمی و غیررسمی صندوق در چهار بعد می‌پردازد: اثرگذاری، کارایی، پاسخگویی و حق اظهار نظر (IEO, 2008). گزارش کارگروه شماره ۳ گروه ۲۰ نیز تحت عنوان «گزارش نهایی گروه کاری شماره ۳ گروه ۲۰: اصلاح صندوق بین‌المللی پول»^۵ بر انجام اصلاحات مختلف در صندوق از جمله در زمینه سهمیه‌ها، انتخاب مدیران ارشد صندوق، ساختار ارکان وابسته به صندوق و ... تأکید دارد (G20, 2009). گزارش کمیسیون استیگلیتز تحت عنوان «گزارش کمیسیون کارشناسان رئیس مجمع عمومی سازمان ملل متحد در خصوص اصلاحات نظام بین‌المللی پولی و مالی»^۶ (Stiglitz and other, 2009) و نیز گزارش کارگروهی که توسط شورای اجرایی صندوق به

^۱ Post Crisis Roles and Reforms of the IMF and the World Bank

^۲ Report of the Committee of Eminent Persons on IMF Governance Reform

^۳ Trevor Manuel

^۴ Governance of the IMF: An Evaluation

^۵ Final Report of G-20 Working Group 3: Reform of the IMF

^۶ Report of the Commission of Experts of the President of the United Nations General Assembly on Reforms of the International Monetary and Financial System

ریاست موزر^۱ و متشکل از مدیران اجرایی جهت بررسی توصیه‌های دفتر ارزیابی مستقل صندوق در خصوص حکمرانی در صندوق تشکیل شده بود تحت عنوان «گزارش گروه کاری شورای اجرایی در خصوص حکمرانی شرکتی صندوق بین‌المللی پول»^۲ که به ارائه توصیه‌هایی در راستای بهبود نظام حکمرانی در صندوق می‌پردازد (Mosers and others, 2008) و همچنین گزارش گروه دلاروزییر^۳ تحت عنوان «گزارش گروه سطح بالا در خصوص نظارت مالی در اتحادیه اروپا»^۴ که بر فقدان کارآمدی نظارت صندوق بین‌المللی پول صحنه می‌گذارد (de Larosière, 2009) نیز از جمله دیگر نوشتارهای در این دسته‌بندی می‌باشند.

دسته دوم، نوشتارهایی هستند که سعی بر آن دارند که علیرغم پذیرش اصلاحات حداقلی در سازمان‌هایی از قبیل صندوق بین‌المللی پول، در راستای مواضع کشورهای توسعه یافته و در حالت کلی در جهت حمایت از حفظ وضع موجود حرکت نمایند. کتاب «راهبردی برای اصلاح صندوق بین‌المللی پول»^۵ موضوعات مربوط به حکمرانی، سهمیه، حق رای و کرسی‌های مدیریت در این نهاد بین‌المللی را با تصریح بر نقش مرکزی صندوق در شکل‌گیری عملکرد جهانی اقتصاد و نیز تأکید بر نقش برجسته گروه هفت^۶ در آن مورد بررسی قرار می‌دهد (Truman, 2006). مقاله «نقش صندوق بین‌المللی پول در بحران مالی جهانی»^۶ نیز ضمن حمایت از اقدامات صندوق در ارتباط با بحران جهانی ۲۰۰۸ و بحران ۱۹۹۷ آسیا، ریشه ایجاد بحران را در ضعف چارچوب نظام نظارتی صندوق، محدودیت‌های نقدینگی، عدم توازن جهانی در بعد مالی و جریان‌های جهانی بانکداری در نظر می‌گیرد. این مقاله بر نیاز به ارائه اختیارات شفاف به صندوق جهت نظارت بر جریان‌های مالی و حساب سرمایه به‌ویژه از طریق اصلاح مفاد موافقتنامه صندوق تأکید می‌نماید (Xafa, 2010). مقاله دیگری تحت عنوان «چالش‌های صندوق بین‌المللی پول در جریان بحران مالی ۲۰۰۸-۲۰۱۲: توانایی انجام

^۱ Moser

^۲ Report of the Executive Board Working Group on IMF Corporate Governance

^۳ De Larosière

^۴ Report of the High-Level Group on Financial Supervision in the EU

^۵ A Strategy for IMF Reform

^۶ Role of the IMF in the Global Financial Crisis

اقدامات برای اعاده ثبات محیط مالی^۱» با حمایت از اقدامات صورت گرفته توسط صندوق بعد از بحران ۲۰۰۸، بر تقویت منابع مالی این نهاد بین‌المللی تأکید دارد و ضمن تأکید بر هماهنگی بین گروه ۷، گروه ۲۰ و صندوق بین‌المللی پول، با سازوکارهای جایگزینی از قبیل طرح ابتکاری چیانگ‌مائی^۲ به مخالفت برمی‌خیزد (Chonja-Duch, 2012). مقاله «صندوق بین‌المللی پول و نیروی تاریخ: ده رخداد و ده ایده‌ای که به این نهاد شکل داد^۳» در ابتدا به نقش تاریخ در شکل‌گیری صندوق بین‌المللی پول و یا به تعبیر بهتر عوامل پدیداری و تحولات پس از تأسیس صندوق تا زمان فروپاشی کمونیسم می‌پردازد و در ادامه ده تفکر مهم در زمینه مدیریت بین‌المللی پول را مطرح می‌نماید (Boughton, 2004).

دسته سوم نوشتارهایی هستند که سعی بر آن دارند که موضع‌گیری بی‌طرفانه‌ای از خود نشان داده و موضوع را خارج از رابطه بازی بین کشورهای توسعه‌یافته و ثروتمند و کشورهای در حال توسعه و فقیر در نظر بگیرند. مقاله «نظریه‌های متعارض در زمینه توسعه اقتصادی^۴» به تحلیل چهار مکتب فکری اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم یعنی ساختارگرایی، مدل رشد خطی-مرحله‌ای^۵، نئومارکسیست یا تئوری وابستگی و نظریات نئوکلاسیک دهه ۱۹۸۰ می‌پردازد (Contreras, 2013). مقاله دیگری تحت عنوان «اصلاح مالی پس از بحران: ارزیابی اولیه^۶» اطلاعات مفیدی در زمینه اصلاحات مالی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ لغایت ژانویه ۲۰۱۲ در چارچوب گروه ۲۰، صندوق بین‌المللی پول، شورای ثبات مالی و کشورهای مختلف و نیز تأثیرات بحران جهانی و درس‌های آموختنی از بحران در اختیار خواننده قرار می‌دهد. این مقاله همچنین پیش‌بینی‌هایی در زمینه گام‌های بعدی احتمالی در زمینه اصلاحات مالی و ابعاد مختلف آن شامل مدیریت بحران در اروپا، چالش‌های شرکت‌های مالی جهانی، اجرای استانداردهای هماهنگ جهانی و ارتباط بین

^۱ Challenges for the IMF during the Financial Crisis 2008-2012: The Ability to Take Measures to Restore Stability of the Financial Environment

^۲ Chiang Mai Initiative

^۳ The IMF and the Force of History: Ten Events and Ten Ideas That Shaped the Institution

^۴ Competing Theories of Economic Development

^۵ The linear-stages-growth model

^۶ Financial Reform after the Crisis: An Early Assessment

نظام‌های مالی و رشد اقتصادی ارائه می‌نماید (Véron, 2012). مقاله «حکمرانی جهانی پس از بحران مالی: چندجانبه‌گرایی جدید یا نفس آخر قدرت‌های بزرگ»^۱ نیز با ارائه بحث‌های مفیدی در زمینه لزوم برقراری استقلال مالی برای صندوق، و همچنین مقایسه بحران ۱۹۹۷ آسیای شرقی با بحران ۲۰۰۸، بر لزوم تمرکز بیشتر بر پیگیری اصلاحات حکمرانی، سهمیه‌ها و حق‌رای‌ها^۲ در صندوق تأکید می‌نماید (Woods, 2010). مقاله «وظایف، کارکردها و چالش‌های پیش‌روی صندوق بین‌المللی پول و چگونگی روابط جمهوری اسلامی ایران با آن» نیز پس از ارائه چارچوب وظایف و ساختار مدیریتی صندوق، به‌صورت خلاصه به مناسبات فیما بین صندوق و جمهوری اسلامی ایران در سال‌های قبل از بحران ۲۰۰۸ می‌پردازد (آقامیرکلایی، ۲۰۱۳). با عنایت به آنچه گفته شد، پرسش اصلی پژوهش حاضر به‌قرار ذیل می‌باشد: بحران ۲۰۰۸ چه تغییر یا تغییراتی را در رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول ایجاد کرد؟

برای پاسخ به پرسش فوق، می‌بایست به این پرسش‌ها پاسخ دهیم: جمهوری اسلامی ایران دارای چه جایگاه و نقشی در اقتصاد جهانی و مدیریت اقتصاد جهانی می‌باشد؟ اصول، مبانی و اهداف سیاست خارجی این کشور در قبال مدیریت جهانی اقتصاد و مدیریت بین‌المللی پول کدامند؟ تحولات صورت گرفته در صندوق بین‌المللی پول چگونه برای این کشور قابل تبیین و ارزیابی است؟

در مقاله حاضر، بازیگران نظام مدیریت بین‌المللی پول در قالب دو دسته مرکزی (صندوق بین‌المللی پول) و حاشیه‌ای (سازوکارهای منطقه‌ای، بانک‌ها و مؤسسات مالی بزرگ جهان، کشورها) در نظر گرفته شده‌اند. تا قبل از بحران ۲۰۰۸، کشورهای در حال توسعه، با توجه به جایگاه حاشیه‌ای خود در نظام بین‌الملل و نیز وابستگی به کمک‌های مالی، فنی و سرمایه‌گذاری کشورهای شمال، سعی بر آن داشتند که نقش اصلی خود را در محیط حاشیه‌ای این نظام ایفا نمایند چراکه امکان ایجاد اصلاحات اساسی در بازیگر مرکزی برقرار نبود. ولی بحران ۲۰۰۸ مهر تأییدی بر نیاز به اصلاح نظام حاکم گذاشت و لذا فرصت

^۱ Global Governance after the Financial Crisis: A New Multilateralism or the Last Gasp of the Great Powers

مناسبی برای کشورهای در حال توسعه جهت پیگیری اصلاحات مورد نظر خود فراهم نمود. بر این اساس، در پاسخ به سؤال اصلی، مقاله حاضر به دنبال آزمون این فرضیه است که جمهوری اسلامی ایران، به عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه، پس از بحران ۲۰۰۸، رویکردهای خود را از بازی در محیط حاشیه‌ای نظام مدیریت بین‌المللی پول به سمت اصلاح بازیگر مرکزی آن یعنی صندوق بین‌المللی پول تغییر جهت داد.

مهمترین مفاهیم بکار گرفته شده در عنوان و نیز متن پژوهش حاضر شامل مدیریت بین‌المللی پول، بحران مالی جهانی ۲۰۰۸، کشورهای توسعه‌یافته، کشورهای در حال توسعه و حق برداشت مخصوص^۱ می‌گردند که در ذیل به تعریف آنها پرداخته می‌شود:

یک. مدیریت بین‌المللی پول: هر گونه اعمال کنترل و نظارت بر جابجایی پول، تخصیص پول، سیاست‌های تنظیم نرخ ارز و تراز پرداخت‌ها که دارای اثرات اقتصادی در گستره جهانی باشد را مدیریت بین‌المللی پول می‌گویند. با توجه به اینکه پس از برگزاری اجلاس برتون‌وودز، وظیفه اصلی در این رابطه به صندوق بین‌المللی پول واگذار گردیده است، در پژوهش حاضر، منظور از مدیریت بین‌المللی پول همان برنامه‌ها و سیاست‌های اعمال شده توسط این نهاد بین‌المللی می‌باشد.

دو. بحران جهانی ۲۰۰۸: منظور از بحران جهانی ۲۰۰۸ بحرانی است که با ترکیدن حباب در بازار مسکن آمریکا آغاز گردید و باعث به وجود آمدن افراد بدهکار به نظام بانکی، عدم امکان تبدیل خانه‌های خریداری شده توسط شهروندان این کشور به نقدینگی و در نهایت ورشکستگی بانک‌ها و مؤسسات مالی آمریکا و سرایت آن به بازارهای مالی جهان گردید.

سه. کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه: در این نوشتار، اعضای صندوق بین‌المللی پول به دو دسته کلی کشورهای توسعه‌یافته و کشورهای در حال توسعه دسته‌بندی شده‌اند. منظور از کشورهای توسعه‌یافته، دسته‌ای از کشورها هستند که به‌عنوان جریان اصلی ایجاد و مدیریت نظام حاکم در زمینه مدیریت بین‌المللی پول از طریق صندوق بین‌المللی پول شناخته شده و به‌واسطه داشتن بالاترین سهمیه و حق رای در این نهاد بین‌المللی، نقش اصلی را در تصمیم‌گیری‌های این نهاد بین‌المللی بازی می‌کنند. در مقابل، کشورهای در حال توسعه

^۱ Special Drawing Rights

کشورهایی هستند که در این زمینه دارای جایگاه و نقش حداقلی و حاشیه‌ای بوده‌اند. چهار. حق برداشت مخصوص: حق برداشت مخصوص به‌عنوان یک پول ذخیره تکمیلی (در کنار طلا یا ارزهای خارجی) اطلاق می‌شود که در سال ۱۹۶۹ در راستای حمایت از گسترش تجارت جهانی و جریان‌ات سرمایه توسط صندوق بین‌المللی پول ابداع گردید. به عبارت دیگر، حق برداشت مخصوص به‌عنوان واحد پولی صندوق بین‌المللی پول در نظر گرفته می‌شود ولی پول نیست و شبیه خط اعتباری است؛ چرا که به راحتی قابل تبدیل به پول‌های ذخیره شده قابل استفاده، از طریق مبادله داوطلبانه بین اعضای صندوق می‌باشد و هر کشوری می‌تواند به‌صورت داوطلبانه به خرید یا فروش آن با کشورهای دیگر بپردازد. محاسبه ارزش حق برداشت مخصوص از طریق سبد پولی چند ارز برتر جهانی صورت می‌گیرد. از منظر چارچوب پژوهشی، نوشتار حاضر در سه بخش و یک نتیجه‌گیری سامان داده شده است. نخست به طرح مقدمه، پیشینه، و تعریف مفاهیم پرداخته شد. در بخش اول به بررسی جایگاه ایران در اقتصاد جهانی پرداخته می‌شود. بخش دوم به بررسی اصول، مبانی و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مسائل جهانی اقتصاد اختصاص دارد. در بخش سوم نیز به تبیین مناسبات این کشور با صندوق بین‌المللی پول به‌ویژه پس از تحولات صورت گرفته در صندوق در ورای بحران ۲۰۰۸ خواهیم پرداخت.

۱- جایگاه ایران در اقتصاد جهانی

شناخت صحیح از سیاست خارجی هر کشور مستلزم شناخت درست از جایگاه و موقعیت آن کشور در مقایسه با سایر کشورها و در رتبه‌بندی‌های جهانی است. بر این اساس، شناخت رویکردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال نظام مدیریت جهانی اقتصاد، و زیر مجموعه آن یعنی نظام مدیریت بین‌المللی پول، مستلزم شناخت صحیح از جایگاه و موقعیت آن در اقتصاد جهانی است.

جمهوری اسلامی ایران با توجه به ظرفیت‌های بالای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود به‌عنوان کشوری در حال توسعه، قدرت منطقه‌ای در منطقه خاورمیانه و نیز به‌عنوان یک کشور در حال تبدیل شدن به یک بازیگر موثر در نظام بین‌الملل با منافع و اهداف منطقه‌ای و

فرمانطقه‌ای است. علاوه بر این، قرار گرفتن در چهارراه انرژی، نفوذ قابل توجه در کشورهای منطقه، همسایگی با ۱۵ کشور در مرزهای آبی و خاکی، قرار گرفتن در میان بیست اقتصاد برتر دنیا، دارا بودن ظرفیت‌های اقتصادی و نیروی انسانی تحصیل کرده گسترده، دارا بودن مقام چهارم ذخایر نفت خام جهان و نیز دارا بودن رتبه اول در زمینه ذخایر گاز جهان (www.bp.com, June 2016)، موقعیت خاصی به آن بخشیده است. این موضوع در سند چشم‌انداز بیست ساله تدوین یافته در سال ۱۳۸۲ (۲۰۰۳ میلادی) مدنظر واقع شده است و مطابق آن جمهوری اسلامی ایران در افق سال ۱۴۰۴ (۲۰۲۵ میلادی) در کنار حفظ هویت اسلامی و انقلابی و تعامل سازنده و موثر در روابط بین‌الملل می‌بایست به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در منطقه جنوب غرب آسیا دست پیدا کند. در ذیل به بررسی برخی شاخص‌هایی که بیانگر موقعیت و جایگاه این کشور در اقتصاد جهانی است می‌پردازیم. از جمله این شاخص‌ها شامل شاخص‌های قدرت ملی، تولید ناخالص داخلی، توسعه انسانی، تولیدات اقتصادی، سهم ایران از تجارت جهانی، ذخایر ارزی و تراز پرداخت‌های خارجی می‌گردند.

شاخص قدرت ملی

مؤسسات و نهادهای مطالعاتی با در نظر گرفتن زیرشاخص‌های مختلف، رتبه‌های مختلفی را برای ایران در زمینه شاخص قدرت ملی در نظر گرفته‌اند. جدول ذیل گویای بعضی از رتبه‌بندی‌های صورت گرفته می‌باشد:

جدول شماره ۱- رتبه جهانی ایران در زمینه شاخص قدرت ملی نزد مؤسسات و پژوهشکده‌های

مختلف مطالعاتی جهان

رتبه ایران	شاخص‌های ترکیبی قدرت ملی	نام موسسه
۲۴	علمی و فناوری، اقتصادی، اجتماعی، سرزمینی، فرهنگی، سیاسی - حکومتی، فرامرزی، فضایی و نظامی	پژوهشکده مطالعات راهبردی ایران (۲۰۰۹)
۲۰	توانایی اقتصادی، قدرت نظامی، توانایی جمعیتی، توانایی تکنولوژیک، امنیت انرژی و توانایی امور خارجی	بنیاد تحقیقات امنیت ملی هند (سال ۲۰۱۲)
۱۸		نشنال پاور (۲۰۱۳)
۵۰	اقتصاد، نظامی، دیپلماسی، تکنولوژی، اعتبار، محیط زیست، صلح، دموکراسی، ثروت، آموزش، بهداشت، کیفیت زندگی، کیفیت و شاخص قدرت	نیشن رنکینگز (۲۰۱۱)

منابع:

۱- هادی زرقانی، مقدمه‌ای بر قدرت ملی: مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش (تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۸).

2- http://www.fnsr.org/index.php?option=com_content&view=article&id=4173:national-power-index-2012&catid=25:the-project.

3- www.nationalpower.info/npi/

4- <http://nationranking.files.wordpress.com/2011/03/2011-rankings1.png>

شاخص‌های اقتصادی

مؤسسات معتبر بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان ملل

و وب سایت سیا طی سال‌های اخیر رتبه اقتصادی ایران را در این زمینه بین رتبه‌های ۱۶

تا ۱۹ ارزیابی نموده‌اند.

جدول شماره ۲- شاخص‌های عمده اقتصادی ایران

متوسط طی سال‌های گذشته	آخرین وضعیت	شاخص اقتصادی
۱۵۹,۸ (۲۰۱۷-۱۹۶۵)	۳۹۳,۴۴ (۲۰۱۵)	تولید ناخالص داخلی (میلیارد دلار)
۱۳۶۴۷,۱۳ (۲۰۱۵-۱۹۹۰)	۱۶۰۱۰,۱ (۲۰۱۵)	سرانه GDP-PPP
۱۳,۹۵ (۲۰۱۷-۱۹۵۷)	۱۱ (ژوئن ۲۰۱۷)	نرخ تورم (درصد)
۱۱,۶۸ (۲۰۱۷-۲۰۰۱)	۱۲,۵ (فصل اول ۲۰۱۷)	بیکاری (درصد)
۵۷۷۷,۷۸ (۲۰۱۶-۱۹۷۵)	۳۲۲۵ (فصل چهارم ۲۰۱۶)	حساب جاری (مازاد میلیون دلار)
۷۳,۱۴ (۲۰۱۷-۲۰۱۱)	۷۶ از میان ۱۳۸ کشور (۲۰۱۶-۱۷)	رتبه قدرت رقابت اقتصادی (بر اساس گزارش رقابت جهانی مجمع جهانی اقتصاد)
۲۲۷۷,۲۳ (۲۰۱۵-۱۹۹۸)	۱۲۶۱,۸ (۲۰۱۵)	سرمایه گذاری مستقیم خارجی (میلیون دلار)

Source: <https://tradingeconomics.com/iran>

شاخص‌های توسعه انسانی

جدول زیر حاکی از روند شاخص توسعه انسانی ایران طی سال‌های ۲۰۱۲-۱۹۸۰ می‌باشد:^۸
جدول شماره ۳- روند شاخص توسعه انسانی جمهوری اسلامی ایران طی سال‌های ۱۹۸۰ لغایت ۲۰۱۲ (بر اساس دیتای دوره‌های زمانی مستمر، شاخص‌ها و روش‌های جدید)

سال	امید به زندگی در لحظه تولد	سال‌های آموزشی مورد انتظار	میانگین سال‌های آموزش	سرانه درآمد ناخالص ملی (برحسب برابری قدرت خرید سال ۲۰۰۵ به دلار)	ارزش شاخص توسعه انسانی ^۹
۱۹۸۰	۵۱/۱	۸/۷	۱/۲	۷۲۲۶	۰/۴۴۳
۱۹۸۵	۵۰/۱	۸/۷	۲/۸	۷۲۱۰	۰/۴۶
۱۹۹۰	۶۱/۸	۹/۲	۳/۸	۶۱۸۹	۰/۵۴۰
۱۹۹۵	۶۸/۲	۱۱/۲	۵	۶۶۷۴	۰/۶۱۸
۲۰۰۰	۶۹/۸	۱۱/۹	۶	۷۵۰۷	۰/۶۵۴
۲۰۰۵	۷۱/۳	۱۱/۵	۷	۹۰۶۰	۰/۶۸۵
۲۰۱۰	۷۲/۷	۱۴/۴	۷/۸	۱۰۸۳۴	۰/۷۴۰
۲۰۱۱	۷۳	۱۴/۴	۷/۸	۱۰۹۳۶	۰/۷۴۲
۲۰۱۲	۷۳/۲	۱۴/۴	۷/۸	۱۰۶۹۵	۰/۷۴۲

source: <http://hdr.undp.org/sites/default/files/country-profiles/IRN.pdf>

طبق گزارش توسعه انسانی ۲۰۱۳ برنامه توسعه ملل متحد، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران برای سال ۲۰۱۲ معادل ۰/۷۴۲ (یعنی در داخل گروه دارای شاخص توسعه انسانی بالا) بود که این کشور را در رتبه ۷۶ از بین ۱۸۷ کشور و سرزمین قرار داد. بین سال‌های ۱۹۸۰ و ۲۰۱۲، ارزش شاخص توسعه انسانی ایران از ۰/۴۴۳ به ۰/۷۴۲ افزایش یافت که حاکی از ارتقای ۶۷ درصدی یا متوسط سالانه ۱/۶ درصدی می‌باشد.^{۱۰}

سهام ایران از تجارت جهانی

جمهوری اسلامی ایران دارای عضویت ناظر در سازمان جهانی تجارت می‌باشد. بر اساس آمار سازمان مذکور، ارقام صادرات و واردات کالا و خدمات ایران در سال ۲۰۱۶، درصد تغییرات و سهم آن از تجارت جهانی به قرار جدول ذیل بوده است:

جدول شماره ۴- سهم ایران از تجارت جهانی

درصد از سهم جهانی	درصد تغییرات ۲۰۱۶-۲۰۱۰	ارزش صادرات در سال ۲۰۱۶ (میلیون دلار)	
۰,۴۱	-۷	۶۶۰۰۰	صادرات کالا
۰,۲۵	-۸	۴۰۰۰۰	واردات کالا
۰,۲۱	۲	۹۹۴۶	صادرات خدمات
۰,۳۰	-۴	۱۳۹۰۷	واردات خدمات

Source: <http://stat.wto.org/CountryProfile/WSDBCountryPFView.aspx?Language=E&Country=IR>

تراز پرداخت‌های خارجی

بر اساس آمار بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موازنه پرداخت‌های این کشور طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۳ به میلیون دلار به قرار جدول ذیل بوده است:

جدول شماره ۵- تراز پرداخت‌های خارجی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۳) - میلیون دلار

۱۳۹۳	۱۳۹۲	۱۳۹۱	۱۳۹۰		
۲۱۳۹۳	۳۱۹۷۰	۲۸۵۵۹	۶۷۷۷۹	حساب کالا	حساب جاری
-۶۹۸۵	-۷۱۳۷	-۷۳۰۷	-۹۷۷۱	حساب خدمات	
۹۴۳	۱۰۶۶	۱۶۶۱	۹۳	حساب درآمد	
۵۱۱	۵۴۱	۵۱۰	۴۰۶	حساب انتقالات جاری	
-۱۶۶۴	-۱۱۵۴۷	-۶۶۶۴	-۱۶۸۷۵	خالص حساب سرمایه	
-۵۶۳۵	-۱۷۰۳	-۴۵۴۶	-۲۰۱۹۵	اشتباهات و از قلم افتادگی	
۸۵۶۱	۱۳۱۸۹	۱۲۲۱۳	۲۱۴۳۶	موازنه کل	

Source: <http://www.cbi.ir/datedlist/13372.aspx>

ذخایر ارزی

بنا به اعلام وب سایت سازمان سیا، ذخایر ارزی ایران در پایان سال ۲۰۱۶ معادل

۱۳۵،۵ میلیارد دلار بود (<https://www.cia.gov>).

همه شاخص‌های فوق حاکی از آن است که ایران در اقتصاد جهانی دارای نقشی حاشیه‌ای و کم‌رنگ است. این در حالی است که غرب و به‌ویژه دولت آمریکا با توجه به مخالفت خود با دیدگاه‌های انقلابی جمهوری اسلامی تلاش نموده تا بر کم‌رنگ‌تر شدن نقش این کشور در مراودات و معادلات بین‌المللی بیافزاید. بر این اساس، با وجود آنکه ایران در سال ۱۹۸۰ در فهرست کشورهای ۱۶ گانه در نظام حق برداشت مخصوص صندوق قرار داشت و در آن دارای سهم دو درصدی بود و در سال ۵۶-۱۹۵۵ به عنوان عضو موقت شورای امنیت پذیرفته شد، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، علاوه بر تحمیل فشارهای جنگ و تحریم‌ها، این کشور نتوانسته خود را به عضویت گروه‌ها و نهادهای مهم بین‌المللی از قبیل گروه ۲۰، سازمان جهانی تجارت یا سازوکارهای منطقه‌ای از قبیل بانک توسعه آسیایی درآورد. عضویت این کشور در صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی نیز فارغ از این‌گونه فشارها نبوده است.

۲- اصول، مبانی و اهداف سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت جهانی اقتصاد

جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر با اهداف بلندمدت تغییر وضع موجود در نظام بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود. به همین خاطر سیاست خارجی آن، صحنه تعامل عمل‌گرایی و آرمان‌گرایی است. به عبارت دیگر، از یک طرف، اصول سیاست خارجی آن بر پایه اصول و اهداف انقلاب اسلامی بنا نهاده شده و از طرف دیگر، همانند دیگر کشورها، سیاست خارجی آن دارای مبانی مختص به خود می‌باشد و در مقدمات و محذورات منحصر به فردی محاط شده که بر رویکردهای آن نسبت به موضوعات مربوط به مدیریت جهانی اقتصاد نیز تأثیرگذار است.

سیاست خارجی هر کشور از یکسو در دوره‌های تاریخی (سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) و از سوی دیگر در موقعیت جغرافیایی، و یا به تعبیر بهتر، در موقعیت ژئواستراتژیک و ژئوپلیتیک آن ریشه دارد. به عبارت دیگر تاریخ چندهزار ساله، هویت ایرانی - اسلامی، مشخصات جغرافیایی، اقتصادی، فرهنگی و قومیتی آن دولت منحصر به فردی ایجاد کرده که حتی با وقوع انقلاب اسلامی در آن نیز سیاست‌گذاران با مقدمات و محذورات متعددی مواجه می‌باشند. جهت‌گیری سیاست خارجی این کشور را می‌توان از طریق مکتب و ایدئولوژی حاکم، اندیشه‌های رهبر انقلاب اسلامی، و به صورت ملموس‌تر در قانون اساسی آن جستجو نمود که استراتژی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» به‌عنوان نقطه کانونی آن در نظر گرفته می‌شود. از نظر فقهی این استراتژی برگرفته از اصول متعدد اسلامی است که از جمله آنها می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ۱- اصل ولاء و ولایت و نفی سلطه و حاکمیت سیاسی و مکتبی شرق و غرب و برقراری حاکمیت و ولایت نظام اسلامی بر جامعه^{۱۱}؛ ۲- قاعده نفی سیل کافرین بر مسلمین^{۱۲}؛ ۳- اصل توحید و به فرموده امام خمینی (ره) «انسان، تنها در برابر ذات اقدس حق باید تسلیم باشد و از هیچ انسانی نباید اطاعت کند مگر اینکه اطاعت او از خدا باشد» (محمدی، ۱۳۷۷: ۴۴-۳۹).

بر این اساس، اهداف سیاست خارجی در قانون اساسی جمهوری اسلامی شامل تلاش برای تشکیل امت واحد جهانی بر اساس اسلام (مقدمه و اصل ۱۱ قانون اساسی)؛ حراست از

استقلال و حاکمیت ملی در عرصه بین‌المللی (اصول ۷۸، ۱۵۲، ۱۵۳ قانون اساسی)؛ حمایت از مستضعفین در برابر مستکبرین (مقدمه و اصل ۱۵۴)؛ و دفاع از حقوق مسلمانان در نظر گرفته شده است (جهانگیر، ۱۳۹۰).

جمهوری اسلامی ایران بواسطه قرابت در مبانی سیاست خارجی خود با کشورهای در حال توسعه^{۱۲} و نیز دارا بودن منافع مشترک^{۱۴} در موضوعات مختلف بین‌المللی از جمله موضوع مدیریت جهانی اقتصاد با این دسته از کشورها، همگرایی ویژه‌ای را با آنها برقرار کرده است. از طرف دیگر، به واسطه استراتژی «نه شرقی و نه غربی»، جهت‌گیری سیاست خارجی آن از اتحاد و ائتلاف با جهان غرب در قبل از پیروزی انقلاب اسلامی به سمت سیاست‌های عدم‌تعهد متمایل گردیده است. البته در کنار نقاط اشتراک بین این دو از جمله عدالت‌خواهی در مناسبات بین‌المللی، عمل‌گرایی در قبال سازمان‌های بین‌المللی و حضور فعال در سازمان‌های بین‌المللی جهان سومی (جنبش عدم‌تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، اکو، دی-۸ و ...)، نقطه افتراقی نیز بین آنها وجود دارد که به حاکم بودن عنصر معنویت و ایدئولوژی اسلام در سیاست خارجی جمهوری اسلامی بازمی‌گردد. در واقع، در رویکرد جمهوری اسلامی، صلح و امنیت بدون عناصر عدالت و معنویت نمی‌تواند پایدار باشد^{۱۵}.

جهانی‌شدن: پدیده جهانی‌شدن و انقلاب ارتباطات از یک طرف منجر به گستردگی اقتصاد جهانی (و زیر مجموعه آن یعنی صندوق بین‌المللی پول)، و از طرف دیگر موجب تسهیل نقد و انتقاد از آن، تسهیل ارتباط بین مقامات کشورها در قالب‌های جدید (گروه ۷، ۲۰، ۲۴ و ...) و کم‌رنگ شدن نقش تقریباً انحصاری صندوق، تسهیل جابجایی جریان‌های سرمایه‌ای و توسعه بازارهای سرمایه‌ای بین‌المللی و در نتیجه کاهش نظارت صندوق بر کشورها، و نیز افزایش سرعت اثرگذاری بحران‌های مالی بر سایر کشورها و در نتیجه افزایش مسئولیت صندوق گردیده است.

با وجود این، از یک طرف، جهانی‌شدن در مناطق و کشورهای مختلف دارای اثرات مثبت و منفی گوناگونی بوده است^{۱۶}، و از طرف دیگر دارای ارتباط تنگاتنگی با پدیده‌های فقر و توسعه بوده است. یکی از پیامدهای منفی این پدیده این بوده که در بسیاری از مناطق بر تعداد فقرا افزوده شده^{۱۷} و از طرف دیگر سهم بسیاری از کشورهای کمتر توسعه

یافته از تجارت جهانی کاهش یافته است.^{۱۸}

در این میان جمهوری اسلامی ایران در راستای اصول سیاست خارجی خود از پدیده جهانی‌شدن تحت مدیریت غرب ابراز ناخرسندی نموده و همواره بر عمیق‌تر شدن شکاف بین فقرا و ثروتمندان به واسطه پدیده جهانی‌شدن تحت مدیریت غرب اشاره داشته است. با بررسی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و نیز برنامه‌های پنج‌ساله توسعه دولت جمهوری اسلامی ایران می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست‌گذاران این کشور به‌دنبال بهره‌برداری از فرصت‌های به‌وجود آمده از قبل آن نیز بوده‌اند، ولیکن تحقق رضایت‌بخش آنها با موانع مختلف داخلی و خارجی مواجه بوده است. از جمله عوامل خارجی می‌توان از رویکرد منفی غرب نسبت به انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی ۸ ساله، تحریم‌های اقتصادی دو و چندجانبه، فقدان انسجام و کارآمدی میان کشورهای در حال توسعه و بحران‌های سیاسی و امنیتی متعدد منطقه‌ای به‌عنوان مانعی در این زمینه نام برد.

سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی: از جمله موضوعاتی که برای کشورهای در حال توسعه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است، اصلاح سازمان‌های بین‌المللی موجود و نیز ایجاد سازمان‌های جدید بین‌المللی برای دغدغه‌های جدید بین‌المللی است. این دغدغه‌ها از یک طرف به سوءمدیریت سازمان‌های بین‌المللی موجود و از طرف دیگر، به طرح و اهمیت یافتن موضوعات جدید بین‌المللی از قبیل موضوعات مربوط به محیط‌زیست و توسعه پایدار، گرمایش زمین، چالش‌های کشورهای در حال توسعه، جریان‌های سرمایه و بحران‌های بین‌المللی و نیاز به ایجاد قواعد بین‌المللی لازم در این زمینه‌ها ارتباط پیدا می‌کند.

در حالت کلی دو نوع رویکرد در قبال مسائل اقتصادی و اجتماعی وجود دارد: رویکرد سازمان‌مندی و رویکرد برتون‌وودزی^{۱۹}. در رویکرد برتون‌وودزی (برگرفته از نظرات کشورهای شمال)، که قدرت آراء بر اساس قدرت سهم دولت‌های عضو بنا نهاده شده است، بر اصول آزادسازی اقتصادی تأکید می‌شود. در مقابل، در رویکرد سازمان‌مندی (برگرفته از نظرات کشورهای جنوب)، که براساس هر کشور یک رای بنا نهاده شده و در آن کشورهای در حال توسعه دارای قابلیت بازیگری بیشتری می‌باشند، بر کمک کشورهای ثروتمند به توسعه کشورهای فقیرتر، حقوق انسان‌ها برای توسعه و رفع نیازهای اجتماعی آنها تصریح می‌گردد.

به همین خاطر است که کشورهای اخیر بر ایجاد سازوکارهای جدید تحت مدیریت سازمان ملل متحد در فرآیند جهانی شدن اصرار می‌ورزند، و در نقطه مقابل آن، کشورهای شمال به مخالفت با این دیدگاه پرداخته و حتی جهت جلوگیری از طرح و پیشبرد سازوکارهای جدید، حاضر به اجرای بعضی اصلاحات در سازمان‌های برتون‌وودزی از جمله صندوق بین‌المللی پول گردیده‌اند. علاوه بر این، به‌واسطه قدرت و نفوذ موثر کشورهای توسعه‌یافته است که طی دهه‌های اخیر نقش سازمان ملل در معادلات اقتصادی و پولی جهانی کمرنگ‌تر و نقش نهادهای برتون‌وودزی پررنگ‌تر شده است.

با وجود این، بحران ۲۰۰۸ فرصت مناسبی را برای کشورهای درحال توسعه جهت زیر سؤال بردن مشروعیت، عملکرد و توانایی نهادهای برتون‌وودزی از جمله صندوق بین‌المللی پول و نسخه‌های نئولیبرالیستی آنها فراهم نمود.^{۲۰} بر این اساس، این دسته از کشورها علاوه بر توجه به ضرورت اصلاحات اساسی در داخل صندوق بین‌المللی پول به طرح مباحثی در زمینه ایجاد نهادهای مشابه تحت نظر سازمان ملل متحد پرداختند.^{۲۱} این کشورها، از یک طرف، با اشاره به اینکه این سازمان‌ها بر اساس اوضاع قدرت اقتصادی در نیمه دوم دهه ۱۹۴۰ بنا نهاده شده‌اند و از آن زمان تاکنون تغییرات بنیادینی در اوضاع و شرایط کشورهای مختلف جهان به وجود آمده است، سازوکارهای موجود در این سازمان‌ها را زیر سؤال می‌برند و از طرف دیگر، با توجه به تجارب ناموفق این سازمان‌ها در حل و فصل بحران‌های بین‌المللی و نیز تأکید بر غرب‌گرا بودن و حرکت آنها در راستای منافع دولت‌ها و شرکت‌های غربی، به دنبال طرح ایجاد سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی زیر چتر سازمان ملل می‌باشند تا از یک طرف قوانین و مقررات بهتری برای آنها ایجاد گردد و از طرف دیگر حق سهم و رای آنها در قالبی دموکراتیک‌تر مورد رعایت واقع شوند.

در این میان، جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای درحال توسعه، با شناخت از غالب بودن دیدگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته، به‌ویژه غرب، در سازمان‌های بین‌المللی از جمله نهادهای برخاسته از اجلاس برتون‌وودز، آگاهی نسبت به امکان بهره‌برداری حداقلی از این سازمان‌ها^{۲۲}، و نیز شناخت از فقدان قدرت رقابت با کشورهای توسعه‌یافته در زمینه تخصص و نیروی انسانی مجرب و آموزش‌دیده جهت بهره‌مندی از

فرصت‌های ایجاد شده توسط سازمان‌های بین‌المللی، سعی بر آن داشته تا جهت بهره‌برداری از فرصت‌های به‌وجود آمده از قِبَلِ عضویت در سازمان‌های بین‌المللی، از یک طرف به‌دنبال گسترش و تعمیق عضویت خود در آنها باشد و از طرف دیگر موضوع اصلاح آنها را در راستای منافع کشورهای در حال توسعه در دستور کار خود داشته باشد که در بخش بعدی به آن خواهیم پرداخت. با وجود این، عضویت در سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول برای این کشور به ایجاد فرصت‌هایی انجامیده است که می‌توان آنها را در قالب سه‌گانه ذیل مورد بررسی قرار داد:

• دسترسی به منابع و اطلاعات

عضویت در سازمان‌های بین‌المللی از یک طرف به‌معنای اعطای بخشی از اختیارات و حاکمیت دولت‌ها به دیگری، و از طرف دیگر دربردارنده انتفاع از منابع مادی، تکنیکی و تخصصی حاصله از عضویت در نهاد مربوطه می‌باشد. در این راستا، مهم‌ترین اهداف جمهوری اسلامی ایران از عضویت در سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول را می‌توان به قرار ذیل برشمرد: دسترسی به امکانات پولی و مالی؛ امکان استفاده از مشاوره‌های فنی؛ رخنه و افزایش دسترسی به بازارهای خارجی (بازار صادراتی، کمک‌های فنی، فناوری و ...); دسترسی به اطلاعات در خصوص روندهای شکل‌گیری تصمیمات و نتایج حاصله که با توجه به موضوع جهانی شدن بر روی جمهوری اسلامی ایران نیز تاثیرگذار خواهد بود؛ دسترسی به تجربیات دیگر کشورها در زمینه توسعه؛ مشارکت در ایجاد صلح و رفاه منطقه‌ای و جهانی (به‌ویژه منطقه خاورمیانه) و حمایت از کشورها و جنبش‌هایی که در رده اهداف اولیه سیاست خارجی این کشور قرار دارند؛ و امکان رصد تحولات بین‌المللی.

• ایجاد مشروعیت و اعتبار

در حال حاضر عضویت در سازمان‌های بین‌المللی موجب اقتدار بیشتر یک کشور و ارتقاء مشروعیت دولت آن به حساب می‌آید. از جمله دیگر مزایای عضویت در سازمان‌های بین‌المللی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: ایجاد مشروعیت برای اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های دارای عواقب و پیامدهای منفی داخلی با استناد به توصیه‌های سازمان‌های بین‌المللی در خصوص آن برنامه‌ها^{۲۳}؛ امکان دریافت امتیازات خاص، وام و ... از دیگر

مؤسسات و نهادهای خارجی و بین‌المللی به واسطه تایید سیاست‌های اقتصادی داخلی توسط بعضی از سازمان‌های بین‌المللی؛ بهره‌برداری از تریبون سازمان‌ها جهت اعلام مواضع و نگرانی‌های کشور در زمینه موضوعات منطقه‌ای و جهانی و ارائه تصویری مثبت از کشور و نیز محکوم‌نمودن سیاست‌های کشورهای متخاصم؛ تقسیم مسئولیت توسط دولت‌ها^{۲۴}؛ خروج از انزوا و ایجاد اختلال در ائتلاف‌های مخالف و جذب کشورهای دوست؛ امکان انجام معاملات سیاسی در بعضی رای‌گیری‌ها؛ امکان زمینه عضویت در دیگر سازمان‌های بین‌المللی^{۲۵}.

• سهم بردن از قدرت جهانی

یکی از ویژگی‌های جهانی‌شدن در این نکته نهفته است که علاوه بر دولت‌ها به‌عنوان بازیگران رسمی نظام بین‌الملل، بازیگران متعدد دیگری نیز در آن ایفای نقش می‌نمایند که در آن میان سازمان‌های بین‌المللی از جایگاه بسیار برجسته‌ای برخوردارند. بنابراین، داشتن سهم بیشتر در این سازمان‌ها موجب نقش تاثیرگذاری بیشتر در این نظام و به معنای دیگر قدرت بیشتر برای کشورها می‌گردد. مهم‌ترین منافع حاصل از عضویت در سازمان‌ها را در این زمینه می‌توان به قرار ذیل برشمرد: جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت و زور توسط قدرت‌های بزرگ و برقراری سازوکار کنترل و مهار نسبی آنها^{۲۶}؛ کاهش دیپلماسی مخفی و پشت‌درهای بسته و ایجاد سازوکاری برای محافظت و اجرایی نمودن توافقات از طریق ایجاد دیپلماسی چندجانبه؛ مقابله با قدرت رقبا؛ گسترش روابط با کشورها؛ ائتلاف‌سازی^{۲۷}؛ ایفای نقش فعال در جلوگیری از تصمیماتی که علیه منافع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ مشارکت فعال در شکل‌گیری عرف‌ها و رژیم‌های بین‌المللی؛ مشارکت فعال در توسعه و تدوین حقوق بین‌الملل با توجه به منافع و امنیت ملی کشور.

۳- ایران و صندوق بین‌المللی پول

ایران از جمله ۴۴ کشوری بود که در جلسات مختلف شکل‌گیری صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی در کنفرانس برتون‌وودز در سال ۱۹۴۴ مشارکت نمود. بر این اساس، در

تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۴۵ رسماً به عضویت صندوق درآمد و رئیس کل بانک مرکزی به‌عنوان نماینده دولت ایران در صندوق معرفی گردید.

سهامیه و حق رای ایران نزد صندوق: سرمایه اولیه صندوق که بر حسب دلار آمریکا و به نرخ رسمی ارزیابی شده بود، بالغ بر ۸/۸ میلیارد دلار بود که از آن میان سهم ایران در سال ۱۳۲۴ (۱۹۴۵ م.) مبلغ ۲۵ میلیون دلار (یعنی ۰/۲۸۴ درصد از کل) بود. در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸ م.) به تقاضای ایران و تأیید صندوق سهم آن به ۳۵ میلیون دلار افزایش یافت. همچنین جمع سهامیه کشورهای عضو تا پایان سال ۱۹۷۰ به ۲۸۴۳۳ میلیون دلار می‌رسید که از این مبلغ، مقدار ۶۷۶۷ میلیون دلار آن طلا بود و سهم ایران تا آن تاریخ بالغ بر ۱۹۲ میلیون دلار (۴۸ میلیون دلار آن به طلا بود) می‌شد^{۲۸}. همچنین، سهم ایران در صندوق در ۴ می ۲۰۱۵ به ۱۴۹۷٫۲ حق برداشت مخصوص می‌رسید که این رقم بیانگر ۰/۶۳ درصد از کل سهامیه‌ها بود. تعداد آراء آن نیز به ۱۵۷۰۹ رای می‌رسید که دربرگیرنده ۰/۶۲ درصد از کل آراء بود (www.imf.org).

شایان ذکر است که تا قبل از سال ۱۹۸۱، ارزش‌گذاری حق برداشت مخصوص براساس سبدهی از ارزهای ۱۶ کشور عضو بود. از جمله ارزیابی که در سال ۱۹۸۰ در ارزش‌گذاری حق برداشت مخصوص سهم داشت ریال ایران بود که دارای سهم ۲ درصدی در ارزش ترکیب فوق بود^{۲۹}.

پس از بحران ۲۰۰۸، طی سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ اصلاحات بی‌سابقه‌ای در سهامیه-بندی و حق‌رای کشورها به‌وجود آمد که بازارهای درحال‌ظهور و درحال‌توسعه بیشترین نفع را از آن بردند. جدول ذیل درصد سهم این کشورها را نسبت به کل سهامیه‌های صندوق طی سال‌های قبل و بعد از بحران مذکور نشان می‌دهد:

جدول شماره ۶: سهمیه و حق‌رای کشورهای در حال ظهور و در حال توسعه در صندوق بین‌المللی پول

حق‌رای				سهمیه				
اصلاحات پس از ۲۰۱۰	اصلاحات پس از ۳۳۲۰۰۸	تا ۲ مارس ۲۰۱۱	قبل از اجلاس سنگاپور	اصلاحات پس از ۳۳۲۰۱۰	اصلاحات پس از ۳۳۲۰۰۸	تا ۲ مارس ۲۰۱۱	قبل از اجلاس سنگاپور ۳۰	
۴۴٫۸	۴۲٫۱	۴۰٫۵	۳۹٫۴	۴۲٫۴	۳۹٫۶	۳۹٫۵	۳۸٫۴	بازارهای در حال ظهور و کشورهای در حال توسعه
۶٫۰۶۸	۳٫۸۰۳	۳٫۶۵۱	۲٫۹۲۸	۶٫۳۹۰	۳٫۹۹۴	۳٫۷۱۸	۲٫۹۸۰	چین
۲٫۰۰۹	۲٫۷۹۷	۳٫۱۵۴	۳٫۲۱۰	۲٫۰۹۵	۲٫۹۲۹	۳٫۲۱۰	۳٫۲۶۸	عربستان سعودی
۲٫۵۸۶	۲٫۳۸۵	۲٫۶۸۶	۲٫۷۳۴	۲٫۷۰۵	۲٫۴۹۳	۲٫۷۳۲	۲٫۷۸۲	روسیه
۲٫۶۲۷	۲٫۳۳۶	۱٫۸۸۲	۱٫۹۱۶	۲٫۷۴۹	۲٫۴۴۱	۱٫۹۱۱	۱٫۹۴۵	هند
۲٫۲۱۷	۱٫۷۱۳	۱٫۳۷۷	۱٫۴۰۲	۲٫۳۱۵	۱٫۷۸۲	۱٫۳۹۵	۱٫۴۲۰	برزیل
۱٫۷۹۵	۱٫۴۶۶	۱٫۴۳۰	۱٫۱۹۶	۱٫۸۶۸	۱٫۵۲۰	۱٫۴۴۹	۱٫۲۱۰	مکزیک
۱٫۷۳۰	۱٫۳۶۳	۱٫۳۲۸	۰٫۷۶۰	۱٫۷۹۹	۱٫۴۱۱	۱٫۳۴۵	۰٫۷۶۴	کره جنوبی
۰٫۷۶۷	۱٫۰۸۳	۱٫۲۰۷	۱٫۲۲۹	۰٫۷۸۰	۱٫۱۱۵	۱٫۲۲۲	۱٫۲۴۴	ونزوئلا
۰٫۶۳۴	۰٫۷۷۰	۰٫۸۵۲	۰٫۸۶۷	۰٫۶۴۰	۰٫۷۸۳	۰٫۸۵۹	۰٫۸۷۴	آفریقای جنوبی
۰٫۷۳۶	۰٫۶۲۲	۰٫۶۸۵	۰٫۶۹۷	۰٫۷۴۸	۰٫۶۲۸	۰٫۶۸۸	۰٫۷۰۰	ج.ا. ایران
۰٫۹۵۲	۰٫۶۰۶	۰٫۵۴۷	۰٫۴۵۳	۰٫۹۷۷	۰٫۶۱۰	۰٫۵۴۷	۰٫۴۵۱	ترکیه
۰٫۸۰۰	۰٫۵۸۷	۰٫۳۹۹	۰٫۴۰۶	۰٫۸۱۶	۰٫۵۹۰	۰٫۳۹۶	۰٫۴۰۴	سنگاپور
۰٫۳۵۹	۰٫۵۰۰	۰٫۵۴۶	۰٫۵۵۶	۰٫۳۴۹	۰٫۴۹۸	۰٫۵۴۶	۰٫۵۵۶	عراق

Source: http://www.imf.org/external/np/sec/pr/2011/pdfs/quota_tbl.pdf.

مطابق جدول فوق از سهم و حق‌رای کشورهای عربستان سعودی، روسیه، ونزوئلا، آفریقای جنوبی و عراق کاسته شده و بر سهم و حق‌رای کشورهای چین، هند، برزیل، مکزیک، کره جنوبی، جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و سنگاپور افزوده شده است.

تعهدات ایران در قبال صندوق: عضویت در صندوق مستلزم پذیرش مفاد موافقت‌نامه به‌ویژه موضوع سپردن تعهداتی در زمینه ترازپرداخت‌ها می‌باشد. بنابراین مهم‌ترین تعهد ایران در قبال عضویت در صندوق بین‌المللی پول، موظف شدن دولت به محاسبه جداول موازنه پرداخت‌های خود و ارائه اطلاعات اقتصادی لازم به صندوق بوده است. ایران همانند بسیاری از کشورهای عضو صندوق، خود را متعهد به اجرای ماده VIII تحت عنوان تعهدات عمومی اعضاء (بخش‌های ۲، ۳ و ۴) نموده است. بخش ۲ این ماده تحت عنوان اجتناب از اعمال محدودیت درخصوص پرداخت‌های جاری، بخش ۳ تحت عنوان اجتناب از رویه‌های پولی تبعیض‌آمیز و بخش ۴ تحت عنوان قابلیت تبدیل ترازهای نگهداری شده در خارج^۱ می‌باشند.

جمهوری اسلامی ایران و ماده IV موافقتنامه

یکی از مواد مهم موافقتنامه صندوق، مربوط به ماده ۴ آن، یعنی موضوع نظارت صندوق بر کشورها می‌باشد. بر این اساس صندوق بر کشورهای عضو نظارت می‌نماید و توصیه‌هایی را جهت اصلاح امور ارائه می‌کند. هر چند که پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، سطح همکاری‌های این کشور با صندوق به حداقل رسید، ولی از فوریه ۱۹۹۰ مجدداً کارشناسان صندوق عازم ایران شدند و وظیفه نظارتی خود را آغاز نمودند. بر این اساس، طی سالیان گذشته، صندوق علاوه بر ارائه آمار و پیش‌بینی‌هایی درخصوص شاخص‌های اقتصادی ایران از جمله شاخص‌های مربوط به رشد اقتصادی، تولید ناخالص داخلی، بیکاری، تورم و ...، به ارائه توصیه‌هایی در راستای بهبود وضع اقتصادی آن پرداخته است. از جمله مهم‌ترین موضوعات مورد توجه صندوق می‌توان به برنامه اصلاحات اقتصادی در چارچوب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، برنامه‌های ۵ ساله توسعه، موضوعات مربوط به خصوصی‌سازی مؤسسات دولتی، ارتقای سطح فعالیت‌های بخش مالی، سیاست‌های پولی و مالی، اصلاح و هدفمند نمودن یارانه‌ها از جمله

^۱ Convertibility of foreign-held balances

یارانه‌های انرژی و قیمت حامل‌های انرژی، اثرات تحریم بر اقتصاد این کشور، مذاکرات هسته‌ای، تاثیر قیمت‌های نفت بر اقتصاد ایران، شفافیت و ... اشاره نمود^{۳۵} که معمولاً نمایندگی این کشور در صندوق اظهاراتی را در پاسخ به بیانیه صندوق صادر می‌نماید.

نکته قابل تامل در خصوص همکاری‌های جمهوری اسلامی ایران و صندوق در قالب ماده ۴ موافقت‌نامه در این موضوع نهفته است که طی سالیان گذشته ایران در جرگه کشورهای نیازمند به اعتبارات صندوق نبوده است. بنابراین، توصیه‌های ارائه شده، در حالی صورت گرفته که خود کارشناسان و اقتصاددانان داخل کشور نیز به نکات فوق اذعان داشته و این کشور بصورت اختیاری و با استناد به قوانین برنامه پنج ساله توسعه خود به اجرای تدریجی اصلاحات فوق پرداخته است. همچنین در جریان اجرای اصلاحات ضروری، برنامه‌ریزی‌های لازم درخصوص جلوگیری از ایجاد ناآرامی‌های اجتماعی به‌عمل آمده و این موضوع در گزارشات صندوق نیز انعکاس داشته است.

با وجود این، حتی اگر جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه نیازی به اعتبارات صندوق نیز نداشته باشد، گزارشات صندوق درخصوص این کشور دارای اهمیت پرستیژی می‌باشند؛ چراکه برای کلیه کشورهای جهان مهم است که صندوق بین‌المللی پول به‌عنوان یکی از نهادهای معتبر بین‌المللی درزمینه ارائه اطلاعات اقتصادی و چشم‌اندازهای اقتصادی کشورهای مختلف، به ارائه دیدگاه منفی درخصوص آنها نپردازد. گزارشات منفی سازمان‌های بین‌المللی از قبیل صندوق بعضاً می‌تواند در راستای اعمال فشارهای بیشتر اقتصادی بر کشوری همانند جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گیرد.

گروه ایران: یکی از گروه‌های شانزده‌گانه^{۳۶} شورای اجرایی صندوق، گروهی است که جمهوری اسلامی ایران در آن عضویت دارد. این گروه متشکل از نمایندگان کشورهای ایران، پاکستان، الجزایر، مراکش، غنا، تونس و افغانستان می‌باشد. ایران از سپتامبر ۱۹۷۲ تا به امروز (سال ۲۰۱۵) ریاست این گروه را برعهده داشته است (آقامیر کلایی، ۱۳۹۴). این گروه تا ۲۴ نوامبر ۲۰۱۳ دارای ۵۷۰۷۱ حق‌رای در صندوق (۲/۲۶۸ درصد از کل آراء) بوده است (www.imf.org). مطابق برنامه اصلاحات سال ۲۰۱۰، سهمیه و حق‌رای کشورهای مزبور به تناسب درصدی از کل به قرار جدول ذیل تغییر خواهد یافت:

جدول شماره ۷: سهمیه و حق‌رای کشورهای گروه ایران در صندوق بین‌المللی پول (اصلاحات سال ۲۰۱۰)

نام کشور	سهمیه	حق‌رای
جمهوری اسلامی ایران	۰,۷۴۸	۰,۷۳۶
پاکستان	۰,۴۲۶	۰,۴۳۲
الجزایر	۰,۴۱۱	۰,۴۱۸
مراکش	۰,۱۸۷	۰,۲۰۶
غنا	۰,۱۵۵	۰,۱۷۵
تونس	۰,۱۱۴	۰,۱۳۷
افغانستان	۰,۰۶۸	۰,۰۹۳
کل	۲,۱۰۹	۲,۱۹۷

Source: http://www.imf.org/external/np/sec/pr/2011/pdfs/quota_tbl.pdf.

بر اساس اصلاحات صورت گرفته در سال ۲۰۱۰، بر درصد حق‌رای و سهم جمهوری اسلامی ایران اضافه و از درصد حق‌رای و سهم کشورهای پاکستان، الجزایر، مراکش، غنا و تونس کاسته شده است. در این میان درصد سهم کشور افغانستان کاهش پیدا کرده ولی بر درصد حق‌رای آن افزوده شده است.

مناسبات ایران و صندوق قبل از پیروزی انقلاب اسلامی: مهم‌ترین تحولات در مناسبات ایران با صندوق در دوره قبل از پیروزی انقلاب اسلامی را می‌توان در راستای تحولات قیمت و درآمد نفت و شرایط اقتصادی ایران جستجو نمود. بر این اساس، در یک دوره، ایران، کشور دریافت‌کننده وام از صندوق و در دوره دیگر کشور ارائه‌دهنده وام به این نهاد بین‌المللی بوده است.

۱. *ایران به‌عنوان دریافت‌کننده وام از صندوق:* پس از جنگ دوم جهانی اقتصاد ایران تحت فشار قرار گرفت. هزینه‌های زندگی افزایش یافت و کشور با کمبود مواد غذایی روبرو شد. همچنین در سال‌های اولیه پس از جنگ به‌واسطه ملی‌شدن صنعت نفت با افت درآمدهای نفتی و مشکلات ارزی مواجه گردید. شاید به‌همین جهت بود که دولت ایران در سال ۱۳۳۰ (نوامبر ۱۹۵۱) برای اولین بار از منابع عادی صندوق استفاده نمود و "دولت

درمقابل سفته‌های ریالی معادل ۲۵ درصد سهمیه اعتباری خود در صندوق، دلار به دست آورد. به دلیل کوتاهی مدت اعتبارات صندوق، دولت ایران موظف بود هر ساله بخشی از اعتبار مزبور و دیگر اعتبارات دریافتی خود به دلار را بازخريد کند. درفاصله سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۷۲ دولت ایران جمعا ۱۸ نوبت و روی هم رفته رقمی معادل ۱۸۴ میلیون دلار از منابع صندوق استفاده کرد" (اداره کل بازرگانی کشورهای عربی و آفریقایی سازمان توسعه تجارت، خرداد ماه ۱۳۸۶). که البته "کلیه وجوه مذکور تا سال ۱۹۷۳ بازپرداخت شدند" (آقامیر کلایی، ۱۳۹۴).

۲. *ایران به عنوان اعطا کننده وام به صندوق: بدنبال تحولات بازاریبین‌المللی نفت، جنگ اعراب و اسرائیل در سال ۱۹۷۳ و پیامدهای بعدی آن از جمله تحریم نفتی اعراب، منجر به گران شدن قیمت نفت و در نتیجه ایجاد شوک نفتی برای کشورهای مصرف کننده نفت و در مقابل ایجاد ثروت‌های هنگفت نفتی برای تولیدکنندگان این کالای استراتژیک گردید. در این میان، ایران که به تحریم نفتی اعراب نپیوسته بود، توانست بهره بیشتری از وضعیت به وجود آمده داشته باشد. به عبارت دیگر، درحالی که شوک‌های نفتی به کشورهای واردکننده نفت فشار وارد آورد و در ترازپرداخت‌های آنها مشکلاتی ایجاد نمود، برای کشورهایی از قبیل ایران که صادرکننده نفت بودند به معنای درآمدهای نفتی و مازاد قابل توجه در تراز تجاری و در نتیجه ترازپرداخت‌ها بود. براین اساس، صندوق اولین تسهیلات نفتی خود را پس از افزایش ناگهانی قیمت‌های جهانی نفت برقرار نمود که منابع مالی آن از سوی کشورهای صادر کننده نفت (از قبیل ایران) و کشورهای صنعتی تامین گردید. "دولت ایران طی یک قرارداد و اعلام موافقت به طور جداگانه در سال‌های ۱۹۷۴ و ۱۹۷۵ مبالغی به ترتیب معادل ۵۸۰ و ۴۱۰ میلیون حق برداشت مخصوص به صندوق وام داد. اعتبار مذکور تا پایان سال ۱۹۷۶ کلاً به مصرف رسید و جمعا ۱۹ کشور از وام ایران استفاده کردند. از مجموع ۹۹۰ میلیون حق برداشت مخصوص تسهیلات نفتی ایران، حدود ۶۷ درصد مورد استفاده کشورهای پیشرفته صنعتی و ۳۳ درصد مورد استفاده کشورهای در حال توسعه قرار گرفت" (آقامیر کلایی، ۱۳۹۴).*

مناسبات ایران و صندوق پس از پیروزی انقلاب اسلامی: سیاست خارجی ایران در قبال سازمان‌های بین‌المللی پس از پیروزی انقلاب اسلامی (در سال ۱۹۷۹) به چند دوره

قابل تقسیم است: در دوره جنگ تحمیلی ۸ ساله (۱۹۸۰-۸۸)، از یک طرف به دلیل حاکم بودن نظام دوقطبی بر دنیا و تباین آن با اصول ۱۵۱ تا ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی (که اصل نه شرقی و نه غربی را در راستای تنظیم روابط با سایر کشورها و سازمان‌های بین‌المللی پذیرفته بود) و از طرف دیگر خود موضوع جنگ و مواضع کشورهای قدرتمند دنیا در سازمان‌های بین‌المللی علیه این کشور، به نوعی به سازمان‌های بین‌المللی اعتماد نداشت و مشارکت حداقلی در سازمان‌های بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده بود. مشارکت حداقلی نیز با هدف شناسایی جمهوری اسلامی توسط سایر دولت‌ها و نیز به دلیل اخذ تصمیمات مهم در خصوص موضوع جنگ به‌ویژه در سازمان ملل متحد صورت پذیرفت. با وجود این، با پایان جنگ و لزوم بازسازی کشور و نیز فروپاشی نظام دوقطبی دنیا، تلاش نمود تا به گسترش همکاری‌های خود با سایر دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی بپردازد که آغاز آن به ابتدای دهه ۱۹۹۰ باز می‌گردد. بنابراین، سابقه همکاری‌های جمهوری اسلامی با صندوق را در دوره پس از پیروزی انقلاب اسلامی می‌توان به سه دوره کلی به قرار زیر تقسیم‌بندی نمود: ۱- دوره جنگ تحمیلی و بحران بدهی‌ها؛ ۲- دوره سازندگی؛ ۳- دوره شوک‌های اقتصادی خارجی.

دوره جنگ تحمیلی ۸ ساله و بحران بدهی‌ها: در این دوره، روابط با سازمان‌های بین‌المللی به حداقل خود رسید و صندوق بین‌المللی پول نیز از آن مستثنی نبود. در دوران جنگ تحمیلی روابط با صندوق به "دریافت اطلاعات و گزارش‌های اقتصادی و احیاناً معرفی برخی از کارشناسان بانک مرکزی جهت شرکت در دوره‌های کارآموزی و یا همایش‌ها و انجام برخی امور جاری با صندوق خلاصه می‌شد. از جمله رویدادهای این دوره می‌توان به استفاده ایران از تراننش ذخیره‌ای^{۳۷} خود در صندوق اشاره نمود. تراننش مزبور به میزان ۷۰/۸ میلیون حق برداشت مخصوص (حدود ۹۶ میلیون دلار) در ۹ ژوئن ۱۹۸۸ در ازاء واریز ریال به حساب صندوق مورد استفاده واقع شد" (آقامیر کلایی، ۱۳۹۴).

از جمله مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی مرتبط با موضوع پژوهش که با دوره جنگ ۸ ساله همزمان شده است، به موضوع بحران بدهی‌ها و حاکم شدن نظام نتولیبرالیستی بر جهان بازمی‌گردد. ولی با توجه به تمرکز کشور بر روی موضوع جنگ و نیز واقع‌شدن بحران

بدهی‌ها در آمریکای لاتین که در خارج از محیط استراتژیک ایران قرار داشت، این موضوع تاثیر مستقیمی بر روی سیاست خارجی ایران نداشت.

دوره سازندگی پس از جنگ تحمیلی: پایان جنگ، روی کار آمدن دولت جدید و برنامه سازندگی کشور، به سیاست خارجی متفاوتی نیاز داشت که اثرات آن در سازمان‌های بین‌المللی از جمله صندوق بین‌المللی پول نیز نمایان گردید. بر این اساس، جمهوری اسلامی ایران تلاش نمود تا مراودات خود را با این نهاد بین‌المللی بهبود بخشد و کارشناسان صندوق جهت انجام امور مشاوره اقتصادی وارد این کشور شدند. از آن زمان تاکنون، بانک مرکزی هر ساله پذیرای هیات‌های مختلفی از صندوق بوده و از توانمندی‌های صندوق جهت آموزش کارکنان خود بهره برده است.

دوره شوک‌های اقتصادی خارجی

از جمله مهم‌ترین رویدادهای بین‌المللی مرتبط با موضوع پژوهش به موضوع بحران مالی آسیای شرقی در سال‌های ۹۸-۱۹۹۷ مربوط می‌شود. این بحران منجر به وارد آمدن ایرادات اساسی به عملکرد صندوق در قبال مدیریت بحران‌ها گردید و به نوعی آغازگر بحث‌های جدی در خصوص لزوم انجام اصلاحات در داخل صندوق بین‌المللی پول بود. صندوق در جریان بحران مذکور به کشورهای گرفتار در بحران و در راستای ایجاد پس‌انداز و پرداخت قروض خارجی توسط آنها، سیاست‌های انقباضی را تجویز نمود، ولی این کار منجر به کاهش واردات کشورهای مذکور گردید و کاهش واردات این منطقه بر صادرات دیگر مناطق و کشورها تاثیر گذاشت. کاهش شدید قیمت نفت در آن دوره نیز برآمده از همین سیاست بود که کشورهای تولیدکننده نفت از جمله جمهوری اسلامی ایران را دچار مشکلات عدیده‌ای نمود. با وجود این، بحران آسیا به واسطه آنکه اولاً، به یک دغدغه جهانی و در نتیجه آگاهی و اجماع جهانی در زمینه لزوم اصلاح نظام مدیریت بین‌المللی پول تبدیل نگردید و حتی بعضی از اقدامات منطقه‌گرایانه از قبیل ایجاد صندوق پول آسیایی با مخالفت شدید صندوق و دولت آمریکا مواجه گردید؛ ثانیاً، بسیاری از شرکت‌های کشورهای شمال از قبیل سیاست‌های صندوق جهت حل بحران به منافع هنگفتی دست یافتند؛ و ثالثاً، کاهش قیمت‌های نفت به نفع کشورهای

مصرف‌کننده آن تمام شد، فرصت و زمینه جدی جهت ایجاد چرخش در رویکرد کشورهای درحال توسعه در این زمینه را فراهم نمود. با وجود این، نطفه اصلی درخواست‌های اصلاح-طلبانه در صندوق از طریق بحران مذکور بسته شد و عملکرد صندوق در این بحران زمینه طرح بحث‌های مختلفی را در خصوص لزوم انجام اصلاحات در صندوق را ایجاد نمود. مهم‌ترین بحث‌های صورت‌گرفته در این دوره توسط کشورهای درحال توسعه در کتاب آری یل بویرا، مسئول وقت (دبیرخانه) گروه ۲۴، در سال ۲۰۰۵ به رشته تحریر درآمده است. در این کتاب ضمن اشاره به بروز بحران مشروعیت در مؤسسات برتون‌وودزی بر اصلاح ساختار حکمرانی در این نهادها تأکید شده است (Buirra, 2005).

انقلاب اسلامی ایران به‌مرور ماهیت متضاد بیشتری با غرب پیدا کرد. لذا، کشورهای غربی و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، پس از پیروزی انقلاب اسلامی در این کشور، فشارهای سیاسی، بین‌المللی و اقتصادی بسیاری به آن وارد کرده‌اند. یکی از اقداماتی که در این راستا صورت پذیرفت اعمال تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه بود^{۳۸}.

اعمال تحریم‌های چندجانبه و یک‌جانبه دارای آثار و پیامدهای متعددی بر مناسبات پولی و مالی جمهوری اسلامی ایران با خارج از کشور و نیز در داخل کشور بوده است. ازجمله این پیامدها می‌توان به قطع سوئیفت از نظام بانکی ایران، تعلیق روابط کارگزاری با بانک‌های خارجی و بروز معضل بزرگی بنام جابجایی پول توسط بانک‌ها و در نتیجه ایجاد اشکال و اختلال در تجارت خارجی این کشور، بلوکه شدن بعضی از حساب‌ها در خارج از کشور، بروز بحران و اختلال در بازار ارز در داخل و افت شدید ارزش پول ملی، خروج بازار از ارز تک‌نرخی و چندنرخی شدن آن، ایجاد اشکال در فروش نفت و انتقال وجه آن به ایران، کاهش درآمدهای دولت و ... اشاره کرد. همچنین جمهوری اسلامی ایران از سال ۲۰۰۵ نتوانست هیچ‌گونه وام جدیدی از بانک جهانی دریافت نماید و حتی امکان بازپرداخت وام‌های توسعه‌ای دریافتی از بانک جهانی نیز از این کشور گرفته شد^{۳۹} و ایران در فهرست بدحساب‌های بانک قرار گرفت.

اقتصاد ایران وابسته به درآمدهای نفتی است و در این کشور رابطه مستقیمی بین نوسانات درآمدهای نفتی و تراز حساب جاری برقرار است (به شکل شماره ۱ مراجعه کنید).

دقیقا به همین خاطر است که آمریکا و اتحادیه اروپا در راستای ایجاد فشار بیشتر جهت متوقف کردن فعالیت‌های هسته‌ای، تحریم نفتی را در دستور کار خود قرار دادند و با وارد آوردن فشار به کشورهای خریدار نفت ایران، در راستای کاهش صادرات نفت و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی آن گام برداشتند. بر این اساس، طی سال‌های تحریم، به‌ویژه تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اروپا، اقتصاد این کشور با نوسانات شدید نرخ ارز مواجه گردید. لذا، سیاست بازگرداندن ثبات به بازار ارز و کاهش و تعدیل نرخ ارز در بازار آزاد جزو مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی این کشور پس از سال ۲۰۱۰ قرار گرفت. از جمله اقدامات صورت گرفته در این زمینه می‌توان به ایجاد سیستم یکپارچه اطلاعات ارزی بین بانک مرکزی، گمرک و سازمان توسعه تجارت و یا ایجاد نرخ‌های سه‌گانه دولتی، مبادلاتی و آزاد برای ارز و نیز راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی نام برد.

موضوع تحریم‌ها حتی در جریان مذاکرات بین مقامات موسسه تامین اعتبار بین‌الملل^۱ و ایران در حاشیه اجلاس سالانه مشترک صندوق و بانک در سال ۲۰۱۳ نیز به‌عنوان مانعی بزرگ عمل می‌کرد. به همین خاطر، ایران تلاش نمود تا از ظرفیت عضویت خود در گروه ۲۴ استفاده نماید و توانست در بیانیه این گروه در نشست سالانه بانک جهانی و صندوق در سال ۲۰۱۳، این خواست را مطرح نماید که «در اعطای تسهیلات به کشورهای عضو صرفا به مسایل اقتصادی توجه کرده و ملاحظات سیاسی را مد نظر قرار ندهد» (www.cbi.ir, 24/01/1393).

قبل از تولد یورو، دلار دارای جایگاه اصلی در ترکیب ذخایر ارزی ایران بود ولی پس از معرفی یورو (یعنی پس از سال ۱۹۹۹)، سهم ارز جدید در ذخایر ارزی کشور، سیر صعودی داشته است. هر چند که، طی یک دوره سه ساله سهم یورو در ذخایر ارزی ایران بسیار محدود بوده است، ولی از اواسط سال ۲۰۰۲ بخصوص همراه با افزایش درآمدهای نفتی که دلیل اصلی افزایش ذخایر ارزی بانک مرکزی ایران است، سهم یورو در ذخایر ارزی سیر صعودی به خود گرفت و از اوایل سال ۲۰۰۳ میزان آن در ذخایر ارزی ایران بیشتر از مقدار دلار گردید و روند افزایشی آن ادامه پیدا کرد؛ به نحوی که سهم یورو از این ذخایر از حدود

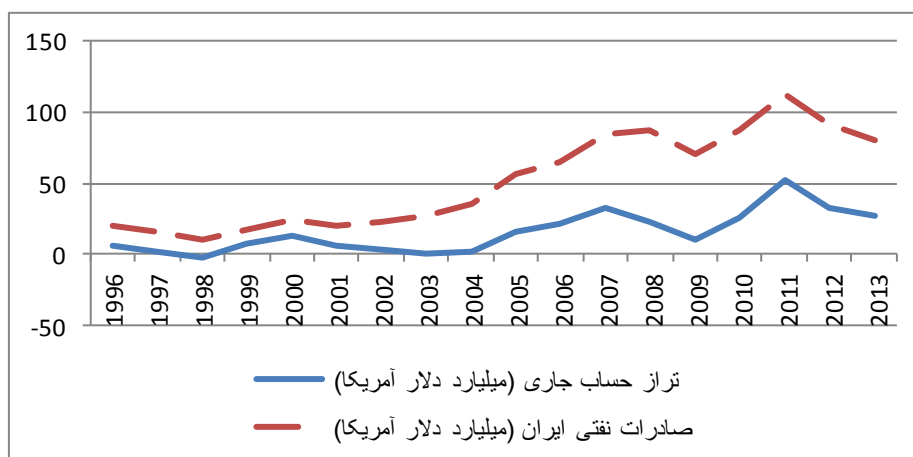
^۱ Institute of International Finance (IIF)

۱۰ درصد در سال ۱۹۹۹ به حدود ۵۰ درصد (در مقابل سهم ۳۰ درصدی دلار) در سال ۲۰۰۸ رسید (کميجانی و توکلیان، ۱۳۸۹: ۳۶-۳۳). دلیل این امر به عوامل متعددی باز می‌گردد که از جمله آنها می‌توان از روند جهانی بهبود جایگاه یورو در معادلات جهانی به‌ویژه در میان کشورهای در حال توسعه، تضعیف ارزش دلار به‌ویژه در مقابل یورو، سیاست تنوع‌بخشی به سبد ارزی دارایی‌ها، شرایط بین‌المللی ایران از جمله تحریم‌های آمریکا و بروز اشکال در جابجایی دلار و نیز احساسات ضدآمریکایی در ایران نام برد.

تشدید تحریم‌ها و به‌ویژه اعمال تحریم‌های یک جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران (از سال ۲۰۱۰)، این کشور را وادار نمود تا در راستای دورزدن تحریم‌ها به ارزهای دیگری از قبیل روپیه هند، یوان چین و روبل روسیه در معاملات تجاری خود روی آورد و توافقاتی را با شرکای اصلی تجاری و به‌ویژه خریداران نفت ایران در خصوص نحوه انجام مبادلات تجاری و پرداخت‌ها به انجام برساند.

گرچه اقتصاد ایران به ظاهر دارای پیوند تنگاتنگی با اقتصاد جهانی نمی‌باشد و نسبت به کشورهای صنعتی و اقتصادهای در حال ظهور، تاثیر نسبتاً کمتری از بحران اخیر پذیرفت، ولی کاهش رشد جهانی و کاهش قیمت‌های نفت، بر روی اقتصاد اثر گذاشت^{۴۰}. این تأثیرات از ابعاد مختلف سیاسی، بین‌المللی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، تجاری، و پولی و مالی قابل بحث و بررسی است، ولی در بعد اقتصادی، کاهش رشد اقتصاد جهانی از یک طرف، به ایجاد افت در حجم سرمایه‌گذاری و منابع مالی و پولی مورد نیاز ایران (برای انجام واردات در راستای تنظیم بازار داخلی و مقابله با تورم، واردات مواد اولیه و تجهیزات وارداتی، واردات کالا و خدمات) منتهی می‌گردد. از طرف دیگر رکود جهانی منجر به کاهش مصرف جهانی انرژی و به‌ویژه نفت، و در نتیجه کاهش در حجم و قیمت‌های نفت مصرفی جهان می‌گردد که این امر نیز به نوبه خود به‌معنای کاهش درآمدهای نفتی برای ایران خواهد بود. کاهش درآمدهای نفتی نیز به‌معنای کاهش در سرمایه‌گذاری، کاهش ذخایر ارزی و در پیش گرفتن بودجه انقباضی توسط دولت خواهد بود. بودجه انقباضی (به‌ویژه در بخش هزینه‌های عمرانی) نیز به نوبه خود منجر به تزریق کمتر منابع مورد نیاز واحدهای تولیدی و افزایش رکود و بیکاری از یک طرف و آثار روانی آن بر بورس از طرف دیگر و

به تبع آن در بازارهای سرمایه، پول و ... و در حالت کلی رشد اقتصادی کشور خواهد گردید. اقتصاد ایران به صادرات نفت وابسته است و رابطه مستقیمی بین درآمدهای دولت، و نوسانات تراز حساب جاری این کشور با صادرات و درآمدهای نفتی این کشور برقرار می‌باشد. بررسی آمار و ارقام مربوط به کل درآمدها و هزینه‌های دولت طی سال‌های ۱۹۹۶ لغایت ۲۰۱۳ حاکی از آن می‌باشد که علیرغم روند صعودی آنها طی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۱، با وقوع بحران مالی جهانی، این روند ناگهان متوقف و روند نزولی در پیش می‌گیرد و تا پایان سال ۲۰۰۹ ادامه پیدا می‌کند ((<http://econstats.com/weo/CIRN.htm>). همچنین وقوع بحران ۲۰۰۸ و کاهش قیمت‌های نفت، به کاهش درآمدهای نفتی ایران انجامید (و درآمدهای صادراتی نفتی ایران از رقم ۸۶/۶۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ به ۶۹/۹۶ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ کاهش یافت که البته با افزایش قیمت نفت، این رقم در سال ۲۰۱۰ به رقم ۸۶/۷۱ میلیارد دلار افزایش پیدا کرد). علاوه بر این، تراز حساب جاری این کشور با افت شدیدی مواجه گردید و از رقم ۳۲/۶۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۷ به ۲۲/۸۴ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۸ و ۹/۴۷۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۹ کاهش پیدا کند. نمودار ذیل بیانگر رابطه بین صادرات نفتی و تراز حساب جاری ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ لغایت ۲۰۱۳ و تأثیرات بحران ۲۰۰۸ بر اقتصاد ایران می‌باشد:



رابطه بین صادرات نفتی و تراز حساب جاری ایران طی سال‌های ۱۹۹۶ لغایت ۲۰۱۳

Source: <http://econstats.com/weo/CIRN.htm>

رویکردها و مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول

رویکردهای جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول را می‌توان در اعلام مواضع و سخنرانی‌های مقامات ارشد اقتصادی و پولی به‌ویژه رئیس کل بانک مرکزی و وزیر اقتصاد و دارایی این کشور در اجلاس‌های بهاره و پاییزه صندوق و بانک (به‌ویژه در نشست‌های گروه ۲۴) و نیز دیگر موقعیت‌ها و اجلاس‌های مربوطه احصاء نمود. بر این اساس، در این قسمت، ضمن اشاره به اعلام مواضع صورت گرفته در مناسبت‌های مختلف در قبل و بعد از بحران ۲۰۰۸ به ارائه تحلیلی در خصوص تأثیرات بحران بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول خواهیم پرداخت.

۱- قبل از بروز بحران ۲۰۰۸

پیش از بحران ۲۰۰۸، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول عمدتاً به شرکت در اجلاس‌های مختلف بانکداری از قبیل اجلاس سیانزا^{۴۱}، موسسه خدمات مالی اسلامی^{۴۲}، اتحادیه پایپای آسیا^{۴۳} و اجلاس‌های مشترک صندوق و بانک جهانی و بحث و تبادل نظر با روسای بانک‌های مرکزی کشورهای مختلف پیرامون گسترش روابط بانکی دوجانبه با دیگر کشورها، روابط بانکداری اسلامی و البته موضوعات تحریم متمرکز بوده است. این موضوع به خوبی در سخنرانی‌ها، مذاکرات و مکاتبات مقامات ارشد اقتصادی و پولی این کشور طی سال‌های ۴۴۲۰۰۶ و ۴۵۲۰۰۷ مشهود است.

۲- بعد از بحران ۲۰۰۸

جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه فرصت به‌وجود آمده از قبل بحران ۲۰۰۸ و به چالش کشیده شدن راه‌کارهای نتولیبرالیستی نظام حاکم بر مدیریت بین‌المللی پول توانست در کنار دیگر کشورهای در حال توسعه نقش فعال‌تری را در مجامع بین‌المللی پولی از جمله در چارچوب اجلاس‌های بهاره و پاییزه مشترک بین صندوق و بانک جهانی ایفا نماید. گاه‌شمار رویدادها^{۴۴} بیانگر آن است که این کشور با مشارکت فعال در نشست‌های گروه ۲۴، ضمن برشمردن خواست‌های کشورهای در حال توسعه در زمینه انجام اصلاحات لازم در صندوق بین‌المللی پول، بر مواضع کشورهای در حال توسعه در زمینه دیگر مسائل مبتلابه این دسته از کشورها تصریح داشته و پیشنهادهای را نیز جهت اصلاح نظام مدیریت بین‌المللی پول ارائه

نموده است. مهمترین اقدامات بعمل آمده توسط مقامات ارشد اقتصادی و پولی این کشور طی سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ را می‌توان در قالب ۴ دسته به‌قرار ذیل طبقه‌بندی نمود:

الف) اصلاحات در داخل صندوق

- اصلاح سهمیه‌ها و حق‌رای صندوق به‌نفع کشورهای در حال توسعه؛
- اصلاح فرمول تعیین سهمیه‌ها با توجه به تحولات اقتصادی کشورها؛^{۴۷}
- نظارت بی‌طرفانه صندوق بر روی تمامی کشورها؛
- اصلاح شروط اعطای وام و کمک‌های فنی؛
- افزایش حق‌رای گروه ایران؛
- حفظ تعداد ۲۴ کرسی در شورای اجرایی؛
- اصلاح شیوه انتخاب مدیرعامل براساس شایستگی نامزدها و بدون توجه به ملیت آنها؛
- ایجاد تنوع در میان کارمندان و کارشناسان؛
- تأکید بر نقش صندوق در تشخیص بحران‌ها، اخذ تصمیم و اجرا.

ب) اصلاحات در ورای صندوق بین‌المللی پول

- پرهیز کشورهای توسعه‌یافته از اعمال سیاست‌های حمایت‌گرایانه؛
- لزوم توجه به موضوعاتی از قبیل گرم‌شدن زمین، تامین مالی توسعه‌ی کشورهای در حال توسعه، فقرزدایی، ایجاد اشتغال و برقراری توازن در اقتصاد جهانی؛
- اعتراض نسبت به تلاش گروه ۲۰ جهت تحمیل تصمیمات خود در نشست‌های صندوق و بانک و تأکید بر اعتلای نقش کشورهای در حال توسعه در مدیریت نهادهای بین‌المللی؛

- درخواست از صندوق و گروه بانک جهانی جهت ایفای نقش فعال‌تر در راستای ایجاد اعتماد بیشتر در سیاست‌گذاری اقتصاد جهانی.

ج) منطقه‌گرایی

- ارائه پیشنهادهای در زمینه ایجاد صندوق مالی مشترک بین کشورهای اکو، ایجاد بورس کالایی مشترک، سرمایه‌گذاری مشترک، استفاده بیشتر از ظرفیت‌های بانک توسعه و تجارت اکو، و ایجاد واحد پول مشترک بین اعضای اکو.

د- موضوعات مختص ایران

- اعتراض نسبت به سکوت صندوق در قبال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا علیه ایران و تأثیرات منفی آن بر ثبات اقتصاد جهانی و بازار نفت در نشست‌های مشترک صندوق و بانک جهانی و در مذاکره با مسئولین صندوق؛
- تشریح برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها و اصلاحات نظام بانکی و مالیاتی ایران (شامل مبارزه با پول‌شویی) در نشست‌های مشترک صندوق و بانک جهانی؛
- اعتراض نسبت به بعضی از گزارشات منفی صندوق در خصوص ایران و پیگیری اعزام مجدد کارشناسان صندوق به ایران جهت تجدیدنظر در آنها؛
- ملاقات با مسئولین بخش خاورمیانه و گروه میز ایران و تشریح برنامه‌ها و اقدامات اقتصادی داخل کشور.

جمهوری اسلامی ایران در زمینه نظام مدیریت بین‌المللی پول، به واسطه اصول سیاست خارجی خود یعنی اصل «نه شرقی و نه غربی» و «حمایت از حقوق مستضعفین جهان» به دنبال اعمال فشار غیرمستقیم به کشورهای غربی در راستای کسب سهم بیشتر برای کشورهای در حال توسعه بوده و تا قبل از وقوع بحران ۲۰۰۸ عمدتاً در راستای مشارکت فعال در جریان‌های حاشیه‌ای نظام مدیریت بین‌المللی پول (اجلاس سیانزا، موسسه خدمات مالی اسلامی، اتحادیه پایپای آسیا) حرکت نموده و در جریان اصلی این نظام (یعنی صندوق بین‌المللی پول) دارای نقش حاشیه‌ای بوده است. از جمله دلایل وضعیت مذکور می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- ۱- تمرکز سیاست خارجی به حل و فصل مشکلات مربوط به پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها؛
- ۲- حاکم بودن نئولیبرالیسم بر نظام مدیریت بین‌المللی پول و فقدان زمینه لازم جهت پیگیری جدی اعمال اصلاحات اساسی در آن؛
- ۳- نقش حاشیه‌ای کشورهای در حال توسعه و نیاز آنها به کمک‌های پولی، فنی و اعتباری صندوق و در نتیجه عدم امکان ایجاد اتحاد میان آنها جهت طرح و پیگیری اصلاحات اساسی در این نظام؛

۴- عدم درگیری و گرفتاری مستقیم کشورهای توسعه‌یافته با بحران‌های بین‌المللی تا قبل از بحران ۲۰۰۸ و در نتیجه عدم احساس نیاز آنها به اعمال اصلاحات و فقدان زمینه پذیرش نظرات انتقادی توسط آنها به‌عنوان بازیگران دارای نقش اصلی در این نظام.

وقوع بحران ۲۰۰۸ به‌ویژه در داخل کشورهای توسعه‌یافته و علی‌الخصوص بازیگر اصلی نظام حاکم، یعنی ایالات متحده آمریکا، زمینه طرح انتقادات اساسی به این نظام را فراهم نمود و جمهوری اسلامی ایران نیز همگام با کشورهای در حال توسعه تمرکز خود را از جریانات حاشیه‌ای نظام مدیریت بین‌المللی پول به سمت اعمال اصلاحات اساسی در داخل بازیگر اصلی این نظام، یعنی صندوق بین‌المللی پول معطوف داشت. بنابراین، سیاست خارجی آن به سمت استفاده بهینه از فرصت به‌وجود آمده از قبیل بحران تغییر جهت داد و در دو قالب به قرار زیر بروز پیدا کرد:

۱- همراهی با کشورهای در حال توسعه در قالب گروه ۲۴ جهت پیگیری اعمال اصلاحات موردنظر در نظام حاکم مدیریت بین‌المللی پول: هر چند که موضوعات مربوط به نقش حاشیه‌ای آن در نظام حاکم و نیز ادامه و تشدید تحریم‌ها و اضافه شدن تحریم‌های یک جانبه اروپا و آمریکا به آن (که تاثیر بسیار منفی بر درآمدهای این کشور و ارزش پول ملی آن داشت) به‌عنوان مانعی جهت پیگیری جدی عملیاتی نمودن سیاست مذکور قلمداد می‌گردید، ولی آمار و ارقام جابجایی‌ها در سهمیه‌ها و حق‌رای به‌نفع کشورهای در حال توسعه و دیگر اصلاحات توافق شده، حاکی از موفقیت نسبی گروه ۲۴، شامل جمهوری اسلامی ایران، بوده است.

۲- طرح و پیگیری اقدامات عملی در قالب سازوکارهای منطقه‌ای از جمله سازمان اکو: در این خصوص تلاش نمود تا از طریق راه‌کارهای منطقه‌ای به مقابله با تأثیرات منفی تحریم‌ها به‌ویژه کاهش ارزش پول ملی خود بپردازد.

می‌توان رفتار جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان یکی از بازیگران رسمی نظام بین‌الملل که اولاً در صندوق بین‌المللی پول عضویت دارد؛ ثانیاً در زمره کشورهای در حال توسعه قرار دارد؛ و ثالثاً از نگاه غرب به‌عنوان کشوری در نظر گرفته می‌شود که در

جریان اصلی شکل‌گرفته توسط آنها قرار ندارد و از لحاظ ماهوی خواستار تغییر وضع موجود در نظام بین‌الملل کنونی است، در ارتباط با مدیریت بین‌المللی پول تحلیل نمود. در کنار موضوعات فوق‌الاشاره، برنامه‌های سند چشم‌انداز این کشور در راستای تبدیل آن به کشور اول اقتصادی در منطقه جنوب غرب آسیا تا سال ۱۴۰۴ ه.ش. (۲۰۲۵ م.) و نیز سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی مبنی بر واگذاری ۸۰٪ از سهام بنگاه‌های دولتی مشمول صدر اصل ۴۴ به بخش‌های خصوصی، شرکت‌های تعاونی سهامی عام و بنگاه‌های عمومی غیر دولتی، وضعیت خاصی را به این کشور در بررسی سیاست خارجی آن در قبال موضوعات جهانی اقتصاد و به‌ویژه مدیریت بین‌المللی پول اعطا کرده است. نتیجه آنکه نگاه جمهوری اسلامی ایران به نظام‌های بین‌المللی و بالتبع موضوعات مربوط به سازمان‌های بین‌المللی و فرآیند جهانی شدن، هر چند که در حالت کلی خود برگرفته از حاکم‌بودن اندیشه‌های انقلابی‌گری و تغییر وضع موجود استوار است، ولی عوامل متعدد دیگری وجود دارند که به تعدیل رویکرد انقلابی آن می‌پردازند. این عوامل را می‌توان در اصل حفظ ام‌القرای اسلامی، مبانی سیاست خارجی و جایگاه، قدرت و موقعیت این کشور در نظام بین‌الملل، آگاهی از حاکم‌بودن و شکل‌گرفتن نظام کنونی جهان بر پایه مکتب نئولیبرالیسم، برنامه‌های توسعه‌ای این کشور، مشکلات به‌وجود آمده از طریق اعمال تحریم‌ها و در حالت کلی مقدمات و محذورات آن در نظام بین‌الملل در نظر گرفت.

در جهان کنونی، در یک معادله تقریباً یک سوپه، از یک طرف، بازیگران ثروتمند (یا بازیگران غیررسمی نظام بین‌الملل مثل شرکت‌ها و مؤسسات بین‌المللی)، و از طرف دیگر بازیگران قدرتمند (یا بازیگران رسمی نظام بین‌الملل یعنی دولت‌ها) بر روی تصمیمات متخذه در نهادهای بین‌المللی اقتصادی (شامل صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی، سازمان جهانی تجارت و بانک تسویه بین‌المللی) تأثیرات اصلی را بر جای می‌گذارند.^{۴۸}

در این میان جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یکی از کشورهای در حال توسعه دارای نقشی حاشیه‌ای و حداقلی در نظام حاکم جهانی به‌ویژه در زمینه مدیریت بین‌المللی پول بوده و مهم‌ترین نقش آن در اجلاس‌های سالانه داووس، اجلاس‌های بهاره و پاییزه صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، نشست‌های گروه ۲۴، شورای حکام صندوق، نمایندگی یکی

از گروه‌های ۲۴ گانه شورای اجرایی صندوق و یا راه‌کارهای منطقه‌ای تجلی پیدا کرده است. جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه خود در نظام مدیریت جهانی اقتصاد و با شناخت از ماهیت نفولبرالیستی نظام حاکم و نیز آگاهی از ایراد چالش و انتقادات متعدد به آن، به دنبال ایفای نقشی دوگانه است. بر این اساس، از یک طرف تلاش می‌نماید تا از طریق تعامل با نظام حاکم در راستای تثبیت و ارتقاء موقعیت خود حرکت کند^{۴۹}، و از طرف دیگر، هم‌راستا با منافع کشورهای در حال توسعه، نیم‌گاهی به آینده نظام داشته تا از این طریق بتواند به تقویت و پیگیری خواست‌های مطروحه این گروه از کشورها به‌ویژه در سازمان‌های بین‌المللی شامل صندوق بین‌المللی پول بپردازد و یا در صورت لزوم هم‌راستا با کشورهای در حال توسعه به دنبال سازوکارهای جایگزین باشد. بر این اساس، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت بین‌المللی پول را می‌توان در چارچوب چهار دیدگاه مورد ارزیابی قرار داد:

۱- سیاست حفظ وضع موجود: جمهوری اسلامی ایران، همان‌گونه که در متن قانون اساسی آن مستفاد می‌گردد، کشوری نیست که اولاً در شکل‌گیری نظام بین‌الملل کنونی نقش مهمی داشته باشد و از طرف دیگر نظام اسلامی آن در بسیاری از موارد در تخالف با نفولبرالیسم منفعت‌طلبانه حاکم بر دنیاست. بنابراین نمی‌تواند با توجه به عوامل قدرت در نظام بین‌الملل و نیز آرمان‌گرایی انقلابی متصوره برای آن، خواستار در پیش گرفتن سیاست حفظ وضع موجود باشد.

۲- تقویت وضع موجود: تقویت وضع موجود به معنای تقویت نهاد صندوق بین‌المللی پول در راستای منافع بیشتر کشورهای ثروتمند می‌باشد. طبیعی است که این سیاست می‌تواند موضع کشورهای باشد که در شکل‌گیری نظام حاکم جهانی کنونی نقش اصلی را ایفا نموده‌اند و نقش رهبریت را در این نظام بر عهده دارند. لذا، چنین رویکردی نمی‌تواند سیاست خارجی مورد نظر جمهوری اسلامی ایران باشد.

۳- اصلاح وضع موجود: اصلاح وضع موجود به معنای افزایش مشارکت کشورهای در حال توسعه در صندوق، کم‌رنگ‌تر شدن نقش کشورهای توسعه‌یافته در صندوق و نقش بیشتر صندوق به‌عنوان یک سازمان مستقل در راستای جلوگیری از بروز بحران‌ها و کمک

غیرمشروط آن به کشورهای نیازمند می‌باشد. قرار گرفتن در جمع کشورهای درحال توسعه از یک طرف و دارا بودن فاکتورهای قدرت منطقه‌ای و درحال ظهور از طرف دیگر، توجیحات لازم را در راستای درپیش گرفتن سیاست خارجی هم‌راستا با اصلاح وضع موجود پوشش می‌دهد. از طرف دیگر، عوامل مختلفی از قبیل فشار تحریم‌ها و تلاش این کشور در راستای برون‌رفت از آن و حضور هرچه فعال‌تر در سازمان‌های بین‌المللی، دوری آن از اتخاذ مواضع افراطی در قبال سازمان‌های بین‌المللی و نگاه به بهره‌برداری حداکثری از عضویت در این سازمان‌ها جهت جلوگیری از انزوا و یافتن راه‌کارهایی جهت شکستن ائتلاف‌های بین‌المللی شکل گرفته علیه آن، کلیه دلایلی که در قسمت دلایل عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی خاطر نشان گردید، و بحث‌هایی که در بخش دوم مقاله در قسمت مبانی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بیان گردید، همگی دال بر این است که جمهوری اسلامی ایران حداقل در اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت سیاست خارجی خود به دنبال اصلاح حداکثری وضع موجود و حضور پررنگ‌تر و فعال‌تر خود در نهادهای بین‌المللی موجود است. همچنین با بررسی که در مواضع اعلام شده توسط مقامات ارشد اقتصادی و بانکی ایران در اجلاس‌های بهاره و پاییزه صندوق و بانک به عمل آمد، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که جریان اصلی تشکیل‌دهنده سیاست خارجی این کشور در زمینه مدیریت بین‌المللی پول با این رویکرد هم‌راستا می‌باشد. ریاست گروه ایران و قراردادن در زمره یکی از ۲۴ مدیر شورای اجرایی صندوق نیز بر پررنگ‌تر نمودن استدلال مذکور کمک می‌نماید.

۴- تغییر وضع موجود: طبیعتاً کشورهایی که دارای کمترین سهم از معادلات کنونی دنیا می‌باشند، می‌بایست پیگیر سیاست خارجی تغییر وضع موجود باشند. هرچند که این‌گونه کشورها نیز به واسطه تجارب مکتسبه تاریخی خود از ایجاد سازوکارهایی از قبیل آنکتابد، طرح نظام نوین اقتصادی بین‌المللی، و منشور حقوق اقتصادی دولت‌ها، درعمل به این نتیجه رسیده‌اند که مدیریت نظام بین‌الملل بدون جلب یا تغییر نظر قدرت‌های اصلی حاکم بر آن غیرممکن می‌نمایند، ولی این موضوع از آن جهت قابل توجیه خواهد بود که این‌گونه کشورها بخواهند از طریق پیگیری سیاست تغییر وضع موجود، به اعمال فشار به نظام حاکم جهت دستیابی به امتیازات بیشتر دست یازند. بر این اساس، نظراتی در

خصوص ایجاد نهادهایی تحت نظر سازمان ملل مطرح می‌شود که علت اصلی آن را می‌توان در این موضوع جستجو کرد که نظام رای‌گیری در سازمان ملل (به غیر از شورای امنیت) بر اساس "هر کشور، یک رای" بنیان نهاده شده است و این در حالیست که صندوق بین‌المللی بر اساس "یک دلار، یک رای" استقرار پیدا کرده است. علاوه بر این، نهادهای تحت نظر سازمان ملل، با نگاه توسعه‌ای و عدالت‌محور، به مسائل مربوط به کشورهای در حال توسعه توجه ویژه‌ای دارند. لذا کلیه کشورهای در حال توسعه شامل جمهوری اسلامی ایران که به دنبال رفع محرومیت، فقر، تساوی بیشتر و نهایتاً صلح و ثبات جهانی می‌باشند، در بلندمدت، سیاست تغییر وضع موجود را در راستای اهداف فوق پیگیری می‌نمایند.

نتیجه‌گیری

در این نوشتار ابتدا به بررسی مختصری پیرامون جایگاه جمهوری اسلامی ایران در اقتصاد جهانی پرداخته شد. ضمن بررسی جایگاه آن در چارچوب شاخص‌های قدرت ملی، تولید ناخالص داخلی، توسعه انسانی، سهم ایران از تجارت جهانی، تراز پرداخت‌های خارجی، ذخایر ارزی، و نیز اسناد بالادستی (سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله)، از آن به‌عنوان کشوری در حال توسعه، قدرت منطقه‌ای در خاورمیانه و نیز به‌عنوان یک کشور در حال تبدیل شدن به یک بازیگر در نظام بین‌الملل با منافع و اهداف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یاد شد. همچنین ضمن تعریف مشخصه‌های نظام حاکم در زمینه مدیریت جهانی اقتصاد به این نتیجه رسیدیم که این کشور دارای نقش حاشیه‌ای در آن بوده و تلاش خواهد نمود تا از یک طرف، در راستای تثبیت و ارتقاء موقعیت خود در اقتصاد جهانی، به تعامل با نظام حاکم بپردازد و از طرف دیگر، هم‌راستا با منافع کشورهای در حال توسعه، نیم‌گاهی به آینده نظام داشته باشد و هم‌راستا با کشورهای در حال توسعه به دنبال سازوکارهای جایگزین باشد.

با ورود به بحث سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال مدیریت جهانی اقتصاد، ضمن بررسی اصول و مبانی سیاست خارجی آن، به‌ویژه اصل نه شرقی و نه غربی، جایگاه آن در اقتصاد جهانی و مدیریت جهانی ترسیم گردید. سپس با بررسی نقاط اشتراک

و افتراق این کشور با کشورهای در حال توسعه به تبیین رویکردهای آن در قبال مهمترین مسائل جهانی مرتبط با موضوع پژوهش یعنی جهانی‌شدن و سازمان‌های بین‌المللی اقتصادی پرداخته شد و فرصت‌های آن در این سازمان‌ها شامل دسترسی به منابع و اطلاعات، ایجاد مشروعیت و اعتبار و سهم بردن از قدرت جهانی خاطر نشان گردید.

در انتها نیز به مناسبات و مراودات این کشور با صندوق بین‌المللی پول پرداخته شد و در آن ضمن بررسی رویدادهای داخلی و بین‌المللی شامل جنگ تحمیلی ۸ ساله، تحریم‌ها، بحران بدهی‌ها و بحران آسیای شرقی بر سیاست خارجی آن، به آزمون فرضیه پژوهش بر اساس رویکردهای مقامات ارشد پولی و اقتصادی آن در برهه‌های زمانی قبل و پس از بحران ۲۰۰۸ پرداخته شد. در این خصوص، ضمن بیان و تلخیص مواضع، سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و مذاکرات مقامات مذکور در جریان برگزاری نشست‌های بهاره و پاییزه مشترک بین صندوق و بانک و نیز دیگر سازوکارهای مربوط به مسائل پولی بین‌المللی، به این نتیجه رسیدیم که جمهوری اسلامی ایران، هم‌راستا با کشورهای در حال توسعه از فرصت به‌وجود آمده به‌واسطه بحران جهانی ۲۰۰۸ استفاده نموده و با ایجاد تغییر در رویکرد و سیاست خارجی خود در قبال موضوع مدیریت بین‌المللی پول از تمرکز نقش‌آفرینی خود در سازوکارهای منطقه‌ای به طرح و پیگیری اصلاحات اساسی در صندوق بین‌المللی پول، و در کنار آن، طرح پیشنهادات برای ایجاد همکاری‌های پولی منطقه‌ای در قالب سازمان اکو و نیز طرح موضوعات پولی و مالی فراتر از صندوق پرداخت.

جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه نقش حاشیه‌ای خود در نظام حاکم نمی‌توانسته دارای نقش اساسی در تنظیم یا ایجاد تغییر در نظام حاکم مدیریت بین‌المللی پول باشد، و به همین خاطر عمدتاً در راستای دستیابی به سهم بیشتر از نظام موجود، به هماهنگی با اصلاحات مورد نظر کشورهای در حال توسعه در چارچوب گروه ۲۴ پرداخته است. علاوه بر این، در دوره بعد از بحران ۲۰۰۸ و به‌ویژه از سال ۲۰۱۰ یعنی پس از اعمال تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اروپا و به‌ویژه تحریم‌های نفتی، این کشور بالاجبار به سمت تلاش در جهت تقلیل اثرات منفی تحریم‌ها بر اقتصاد و به‌ویژه بر موضوعات پولی و ارزی خود حرکت نمود، ولی در عین حال، سیاست خارجی آن سیاست منفعلانه‌ای را در قبال موضوعات مطروحه و فرصت‌های به‌وجود

آمده برای کشورهای در حال توسعه پس از بروز بحران ۲۰۰۸، اتخاذ نموده و سعی بر آن داشته است که هم‌راستا با کشورهای در حال توسعه نسبت به طرح و پیگیری درخواستهای خود در زمینه اصلاحات ماهوی و شکلی نظام حاکم بر مدیریت بین‌المللی پول به‌ویژه در چارچوب گروه ۲۴ و در راستای منافع کشورهای در حال توسعه بپردازد.

منابع و مأخذ

۱. آقامیرکلایی، لیلیا (۲۰۱۳)، وظایف، کارکردها و چالشهای پیش روی صندوق بین‌المللی پول و چگونگی روابط جمهوری اسلامی ایران با آن
(11/20/2013)><http://www.cbi.ir/page/2101.aspx> <
۲. اداره کل بازرگانی کشورهای عربی و آفریقایی سازمان توسعه تجارت (خردادماه ۱۳۸۶)، نگاهی به صندوق بین‌المللی پول (IMF).
۳. اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور (زمستان ۱۳۸۹)، مجموعه قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴)، تهران: اداره چاپ و انتشار معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات.
۴. استیگلیتز، ژوزف ای. (۱۳۸۴)، نگاهی نو به جهانی‌شدن، ترجمه مسعود کرباسیان، تهران: نشر چشمه.
۵. استیگلیتز، ژوزف (۱۳۸۴)، جهانی‌سازی و مسائل آن، ترجمه حسن گلریز، تهران: نشر نی.
۶. باین، نیکلاس و ولکاک، استفن (۱۳۸۸)، دیپلماسی اقتصادی نوین، ترجمه محمدحسن شیخ‌الاسلامی، تهران: انتشارات دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۷. خور، مارتین (۱۳۹۲)، جهانی‌شدن و جنوب (برخی مباحث انتقادی)، ترجمه و تدوین احمد ساعی، تهران: نشر قومس.
۸. زرقانی، هادی (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر قدرت ملی: مبانی، کارکردها، محاسبه و سنجش، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۹. سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور (۱۳۸۳)، قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۸۴-۱۳۸۸)، تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، چاپ اول.
۱۰. نقی‌زاده، محمد (بهار ۱۳۹۱)، "کمپلکس وال استریت، صندوق بین‌المللی پول و اجماع واشنگتن"، فصلنامه مطالعات جهان، دوره اول، شماره ۳.
۱۱. ظریف، محمد جواد و سجادی‌پور، سید محمد کاظم (۱۳۸۷)، دیپلماسی چندجانبه (نظریه و عملکرد سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی)، جلد دوم، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.

۱۲. کمیجانی، اکبر و توکلیان، حسین (تابستان ۱۳۸۹)، "تاثیر ترکیب ذخایر خارجی بانک‌های مرکزی بر جایگزینی یورو و دلار: مطالعه کشورهای ایران، عربستان، ترکیه و روسیه"، پژوهشنامه اقتصادی، سال دهم، شماره دوم.
۱۳. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران: سمت.
۱۴. محمدی، منوچهر (۱۳۷۷)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (اصول و مسایل)، تهران: نشر دادگستر.
۱۵. مشبکی، اصغر (۱۳۷۰)، سازمان‌های پولی و مالی بین‌المللی و ادغام‌های اقتصادی منطقه‌ای، تهران: موسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول.
۱۶. منصور، جهانگیر (۱۳۹۰)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (قانون اساسی مصوب ۱۳۵، اصلاحات و تغییرات و متمم قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸)، تهران: نشر دوران، چاپ هشتم و هشتم.
۱۷. مولانا، سید حمید و محمدی، منوچهر (۱۳۸۷)، سیاست خارجی اسلامی ایران در دولت احمدی نژاد، تهران، نشر دادگستر.
۱۸. موناهان، یان (اردیبهشت ۱۳۹۰)، "آینده صندوق بین‌المللی پول"، ترجمه سید حسین علوی لنگرودی، ماهنامه بانک و اقتصاد، شماره ۱۱۳.

1. Articles of Agreement of the International Monetary Fund,

< <http://www.imf.org/external/pubs/ft/aa/#art8>.> (09/11/2013).

2. Boughton, James M. (06/19/2004), "The IMF and the Force of History: Ten Events and Ten Ideas that Have Shaped the Institution",

<<https://www.imf.org/external/pubs/ft/wp/2004/wp0475.pdf>> (May 2004).

3. Buira, Ariel (2005), *Reforming the Governance of the IMF and the World Bank*, London: Anthem Press.

4. Chojna-Duch, Elizbieta (March 2012), Challenges for the IMF During the Financial Crisis 2008-2012: the Ability to Take Measures to Restore Stability of the Financial Environment, economics.soc.uoc.gr/macro/docs/year/2012/papers/paper_1_137.pdf.

5. Contreras, Ricardo (06/21/2013), Competing Theories of Economic Development, <<http://fileserv.net-texts.com/asset.aspx?dl=no&id=53188>> (11/20/2013).

6. de Larosière, J. (February 25, 2009), Report of the High-Level Group on Financial Supervision in the EU,

<http://ec.europa.eu/internal_market/finances/docs/de_larosiere_report_en.pdf> (09/11/2013).

7. G20 (March 4, 2009), Final Report of G-20 Working Group 3: Reform of the IMF, <http://www.g20.org/documents/g20_wg3_010409.pdf> (09/11/2013).

<https://www.cia.gov/library/publications/the-world-factbook/rankorder/2188rank.html>

<http://econstats.com/weo/CIRN.htm>

<http://fa.rfi.fr>

<http://hdr.undp.org/sites/default/files/country-profiles/IRN.pdf>

<http://nationranking.files.wordpress.com/2011/03/2011-rankings1.png>

http://stat.wto.org/CountryProfiles/IR_e.htm

<https://tradingeconomics.com/iran>

http://www.fnsr.org/index.php?option=com_content&view=article&id=4173:national-power-index-2012&catid=25:the-project.

<http://www.imf.org/external/np/sec/memdir/eds.aspx>.

<https://www.imf.org/external/np/sec/memdir/members.aspx>

http://www.imf.org/external/np/sec/pr/2011/pdfs/quota_tbl.pdf.

<http://www.imf.org/external/pubs/ft/weo/2014/01/weodata/index.aspx>

IEO (2008), Governance of the IMF: An Evaluation, <http://www.ieo-imf.org.org/eval/complete/eval_05212008.html> (09/11/2013).

8.Lee, Donghee (20 July 2011), Post Crisis Roles and Reforms of the IMF and the World Bank,

<https://www5.cuhk.edu.hk/wylf/wylf_media/paper_poster/Economics_06_Donghee_Lee.pdf> .

9.Luecke, Matthias (September 2009), "IMF Reform in the Aftermath of the Global Financial Crisis: Let the IMF Speak Truth to Power", Kiel Policy Brief, No.8.

10.Manuel, Trevor and Others(March 24, 2009), Report of the Committee of Eminent Persons on IMF Governance

Reform,<<http://www.imf.org/external/np/sec/pr/2009/pr0988.htm>>(09/11/2013).

11.Moser, T. and others (07/31/2008), Report of the Executive Board Working Group on IMF Corporate Governance,

<<http://www.imf.org/external/np/pp/eng/2008/073108.pdf>> (09/11/2013).

<http://stat.wto.org/CountryProfile/WSDBCcountryPFView.aspx?Language=E&Country=IR>

12.Stiglitz, Joseph and others (May 21, 2009), Report of the Commission of Experts of the President of the United Nations General Assembly on Reforms of the International Monetary and Financial System,

<http://www.un.org/ga/president/63/commission/financial_commission.shtml> (09/11/2013).

13.Truman, Edwin M. (2006), A Strategy for IMF Reform, Washington DC: Institute for International Economics.

14.Véron, Nicolas (Feb. 7, 2012), Financial Reform after the Crisis: An Early

Assessment, Available: Social Science Research Network;

Address:<http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1986922> (11/20/2013).

15.Woods, Ngaire (January 2010), "Global governance after the Financial Crisis: A New multilateralism or the Last Gasp of the Great Powers?", Global Policy, Volume 1, Issue 1.

www.bp.com

www.nationalpower.info/npi

16.Xafa, Miranda (Fall 2010), "Role of the IMF in the Global Financial Crisis", Cato Journal, Vol. 30, No. 3 object.cato.org/sites/cato.org/files/serials/files/cato-journal/2010/11/cj30ns-5.pdf.

پی‌نوشت:

^۱ - طبق نظرات آلفرد مارشال، وظیفه دولت تنها در امور امنیتی، دفاع، وضع قوانین، نظم عمومی، ارتقاء تحصیلات و آموزش، ایجاد جامعه دانش محور، تشویق تاسیس اتحادیه‌های تجاری، بهداشت عمومی، جلوگیری از انحصار و ایجاد اشتغال محدود می‌شود و دولت نباید در عملیات اقتصادی ورود و دخالت داشته باشد.

^۲ - کینز (John Maynard Keynes) تلاش نمود تا از طریق ارائه نظریه‌های جدیدی (در چارچوب دو موضوع «جریان چرخش پول» و «توسعه چرخش اقتصادی») به توضیح در خصوص افول زود هنگام سرمایه‌داری بپردازد. وی، برخلاف مارشال، بر لزوم دخالت بهنگام دولت در اقتصاد تاکید نمود و از این طریق تلاش نمود تا بتواند چاره‌ای برای اقتصاد شکست خورده غرب پیدا کند. این بود که نظام برتون-وودزی پس از جنگ جهانی دوم، صندوق بین‌المللی پول را پایه‌گذاری نمود تا از آن طریق به نظارت بر نظام بین‌المللی پول بپردازد. در واقع تاسیس صندوق در راستای ایجاد نظام نرخ‌های تبادل و پرداخت‌های بین‌المللی بود تا از این طریق کشورها و شهروندان آنها بتوانند به خریداری کالا و خدمات از یکدیگر بپردازند.

^۳ - در جریان اصلاحات سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۱۰ فرمول جدیدی برای سهمیه‌ها تدبیر شد و در خصوص افزایش سهمیه‌های صندوق توافق حاصل شد. بر این اساس، سهمیه بازارهای در حال ظهور و کشورهای در حال توسعه ۴ درصد نسبت به کل سهمیه‌ها افزایش پیدا کرد و حق رای آنها ۵/۴ درصد ارتقاء یافت. همچنین آراء پایه [آرای هر یک از اعضای صندوق متشکل از آرای پایه آن کشور با اضافه یک رای اضافه برای هر ۱۰۰۰۰۰ حق برداشت مخصوص (واحد پول صندوق) در سهمیه می‌باشد] به سه برابر افزایش یافت و به رقم ۷۵۰ رای رسید. همچنین، توافق شد که اقتصادهای پیشرفته اروپایی دارای دو کرسی کمتر در شورای اجرایی صندوق باشند و تمامی مدیران اجرایی آن انتخابی باشند [در حال حاضر شورای اجرایی دارای ۲۴ مدیر می‌باشد که ۵ مدیر آن انتصابی از سوی ۵ کشور (ایالات متحده، ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلستان) می‌باشند. کشورهای، روسیه، چین و عربستان سعودی نیز هر کدام دارای نماینده کشوری و مابقی در قالب ۱۶ گروه جای می‌گیرند] (www.imf.org, 2011).

^۴ - بر این اساس، منابع دائمی صندوق به دو برابر، یعنی ۴۷۶/۸ میلیارد حق برداشت مخصوص (حدود ۷۳۷ میلیارد دلار) رسید. همچنین «در جریان اجلاس گروه ۲۰ در نوامبر ۲۰۱۰ در سئول مقرر شد که با افزایش حق رای و سرمایه کشورهای رو به رشد آسیایی در صندوق، میزان کل منابع مالی این صندوق از ۷۵۰ میلیارد دلار، به بیش از ۱۰۰۰ میلیارد دلار افزایش یابد» که ۲۵۰ میلیارد دلار آن در قالب حق برداشت مخصوص بود (موناهان، ۱۳۹۰: ۶۰). همچنین ترتیبات جدید استقراض (NAB) تا

نوامبر ۲۰۱۱ به ۳۷۰ میلیارد حق برداشت مخصوص (حدود ۵۷۰ میلیارد دلار) رسید. همچنین تعهد حوزه یورو به ارائه منابع مازاد تا سقف ۱۵۰ میلیارد یورو، تعهد کشورهای عضو در قالب منابع مازاد (که تا سپتامبر ۲۰۱۴ به رقمی معادل ۴۶۱ میلیارد دلار می‌رسید) و ایجاد مدل درآمدی جدید برای صندوق خارج از سود وام‌های عقب افتاده وام‌گیرندگان صندوق نیز از دیگر اقدامات مهم صورت گرفته در این زمینه بوده‌اند.

^{۵-} از جمله آنها می‌توان به افزایش «سپرده رشد و کاهش فقر» طی دوره سال‌های ۲۰۰۹-۲۰۱۴ به ۱۷ میلیارد دلار و تاسیس «سپرده رهایی از بدهی‌ها پس از بلایای طبیعی» (که رقم آن در سال ۲۰۱۰ به ۲۶۸ میلیون دلار می‌رسید) اشاره کرد.

^{۶-} این گروه شامل ۷ کشور صنعتی عمده دنیا شامل ایالات متحده آمریکا، انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا، کانادا و ژاپن می‌گردد. این گروه اجلاس‌های سالانه خود را از سال ۱۹۷۵ در سطح سران اقتصادی (وزرای دارایی و روسای بانک مرکزی) آغاز نمود. گروه ۷ به‌عنوان گروه عمده هماهنگی سیاست‌گذاری طی سال‌های ۸۷-۱۹۸۶ جایگزین گروه ۵ شد. از سال ۱۹۸۷، وزرای دارایی و روسای بانک مرکزی گروه ۷ حداقل هر شش ماه یک‌بار اقدام به برگزاری نشست‌های خود جهت نظارت بر گسترش اقتصاد جهانی و ارزیابی سیاست‌های اقتصادی کرده‌اند. مدیر عامل صندوق نیز معمولاً از طریق دعوت در این اجلاس‌ها شرکت می‌کند.

^{۷-} سهمیه اعضا صندوق بیانگر قدرت رای آنها در تصمیم‌گیری‌های آن می‌باشد. آرای هر یک از اعضا متشکل از آرای پایه آن کشور (پس از اصلاحات سال ۲۰۰۸ تعداد آراء پایه هر کشور به ۷۵۰ رای رسیده است) به‌اضافه یک رای اضافه برای هر یکصد هزار حق برداشت مخصوص (واحد پولی صندوق بین‌المللی پول) سهمیه می‌باشد. به همین خاطر است که پنج کشور بزرگ صنعتی دنیا یعنی آمریکا، انگلیس، آلمان، فرانسه و ژاپن وضعیت حاکم مطلق را در صندوق برای خود بدست آورده‌اند و کشورهای در حال توسعه تنها دارای اکثریت کمی در آن می‌باشند.

^{۸-} متوسط رشد سالیانه شاخص توسعه انسانی ایران بین سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۸۰ معادل ۱/۱۹۹٪، بین سال‌های ۲۰۰۰-۱۹۹۰ معادل ۱/۹۴٪، بین سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۰ معادل ۱/۲۵٪، و بین سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۱۲ معادل ۱/۰۵٪ بوده است.

^{۹-} ارزش شاخص‌های مذکور بین صفر تا یک می‌باشد. تا سال ۲۰۰۹، کشورها به سه دسته شامل توسعه انسانی بالا (بالای ۰/۸)، توسعه انسانی متوسط (۰/۷۹۹-۰/۵) و توسعه انسانی پایین (کمتر از ۰/۴۹۹) تقسیم‌بندی می‌شدند ولی پس از آن در تقسیم‌بندی‌ها تغییراتی به‌وجود آمد و کشورها در چهار دسته شامل کشورهای در گروه با توسعه انسانی خیلی بالا، بالا، متوسط و پایین جای می‌گیرند.

۱۰- ماده ۲۴ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران بر ارتقای شاخص توسعه انسانی به سمت کشورهای با توسعه انسانی بالا (۰/۸) تاکید دارد (ماده ۲۴ قانون برنامه پنجساله پنجم جمهوری اسلامی ایران اشعار می‌دارد که: "به منظور ارتقای شاخص توسعه انسانی به سطح کشورهای با توسعه انسانی بالا و هماهنگی رشد شاخص‌های آموزش، بهداشت و اشتغال در کشور، سند راهبردی «ارتقای سطح شاخص توسعه انسانی» پس از تصویب هیئت وزیران اجرا می‌شود".) (اداره کل تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور، ۱۳۸۹).

۱۱- این اصل بر اساس آیه "یا ایها الذین آمنوا لاتتخذو عدوی و عدوکم اولیاء" شکل گرفته است.

۱۲- این اصل نیز بر اساس آیات ذیل شکل گرفته است: و لن یجعل الله للکافرین علی المومنین سبیلاً؛ الاسلام یعلو و لا یعلی علیه.

۱۳- علاوه بر داشتن شاخصه‌های اقتصادی در رده کشورهای در حال توسعه، جمهوری اسلامی ایران در گروه ۷۷ و ۲۴ عضویت دارد.

۱۴- منافع به چهار دسته منافع موازی، متعارض، مشترک و اختلاف‌زا دسته‌بندی می‌گردند. منافع مشترک به آن گروه از منافع اطلاق می‌گردد که به‌تنهایی توسط یک دولت تامین نمی‌شوند و تحقق آنها صرفاً از طریق همکاری و برقراری اتحاد با سایر واحدهای سیاسی امکان‌پذیر است. (قوام، ۱۳۷۲: ۱۳۰-۱۳۱).

۱۵- آقای احمدی نژاد، (رئیس جمهور ایران طی سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۸۴) در دیدار با بازرگانان ایرانی و مالزیایی در تاریخ ۸۴/۱۲/۱۱ گفت: "جمهوری اسلامی صلح و آرامش را بر پایه عدالت و معنویت نه تنها برای ملت ایران و نه تنها برای ملت‌های اسلامی، بلکه برای همه ملت‌ها می‌خواهد. (مولانا و محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

۱۶- استیگلیتز با اذعان به وضعیت چندگانه به‌وجود آمده از جهانی‌شدن می‌نویسد: درحالی‌که شرق آسیا طی ۳۰ سال گذشته به طور متوسط ۵/۹ درصد رشد داشته است (طی ۱۵ سال گذشته ۶/۵ درصد)، آمریکای لاتین و آفریقا در پایین‌ترین نرخ رشد کلی با هم رقابت داشته‌اند، درآمد سرانه در جنوب صحرای آفریقا طی ۳۰ سال گذشته، سالانه به طور متوسط ۰/۲ درصد کاهش داشته است. اما روسیه از هر دوی آنها جلو زده است. درآمد روسیه از آغاز گذر از کمونیسیم به اقتصاد بازار در مجموع ۱۵ درصد کاهش پیدا کرد، و درآمد سرانه در دهه اول در واقع ۴۰ درصد افت کرد (استیگلیتز، نگاهی نو به جهانی‌شدن، ۱۳۸۴: ۵۵).

۱۷- در سال ۲۰۰۱، حدود ۴۰ درصد از جمعیت ۶/۵ میلیارد نفری دنیا با تهیدستی زندگی می‌کردند (که این رقم ۳۶ درصد بالاتر از سال ۱۹۸۱ است)، یک ششم مردم - یعنی ۸۷۷ میلیون نفر در فقر

شدید به سر می بردند (که ۳ درصد بیش از سال ۱۹۸۱ است). بدترین شرایط در آفریقا حاکم بوده است که درصد جمعیتی که در نهایت عسرت زندگی می‌کند از ۴۱/۶ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۴۶/۹ درصد در سال ۲۰۰۱ افزایش یافت. با توجه به رشد جمعیت آفریقا، این بدان معنی است که تعداد کسانی که در فقر شدید زندگی می‌کنند دو برابر شده، و از ۱۶۴ میلیون نفر به ۳۱۶ میلیون نفر رسیده بود (استیگلیتز، نگاهی نو به جهانی‌شدن، ۱۳۸۴: ۳۲).

^{۱۸} - سهم فقیرترین کشورهای کمتر توسعه‌یافته از تجارت جهانی (که ۲۰ درصد از جمعیت جهان را دارا می‌باشند) از ۴٪ در سال ۱۹۶۰ به کمتر از ۱٪ در سال ۱۹۹۰ تنزل پیدا کرد. در مقابل، سرمایه‌های خصوصی که به کشورهای کمتر توسعه‌یافته وارد می‌شود افزایش یافته و از میزان پنج میلیارد دلار در سال ۱۹۷۰ به ۱۷۳ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۴ رسید، ولی حدود ۷۵ درصد از این سرمایه‌ها تنها به ده کشور در آسیای شرقی و جنوب شرقی و آمریکای لاتین وارد گردید (خور، ۱۳۹۲: ۱۷۳).

^{۱۹} - در سازمان ملل متحد نیز کشورها با سطح قدرت متفاوت، برداشت‌های متفاوتی از نوع کارکرد این سازمان دارند. قدرت‌های بزرگ به دنبال حفظ برتری جهانی خود می‌باشند و به همین خاطر بر عنصر امنیت و صلح جهانی تاکید دارند و هدف اصلی از تاسیس سازمان ملل را در این زمینه ارزیابی می‌نمایند. این در حالیست که کشورهای در حال توسعه به دنبال توسعه همکاری در جهت دستیابی به فناوری‌ها و توسعه اقتصادی خود از قبیل این سازمان بوده و کشورهای کوچک‌تر نیز بر عنصر حفظ استقلال خود تاکید بیشتری دارند.

^{۲۰} - اقدامات صورت گرفته توسط کشورهای جهان سوم در مقابل نهادهای برتون‌وودزی تا قبل از وقوع بحران ۲۰۰۸ علاوه بر اقدامات صورت گرفته در ذیل شورای اقتصادی و اجتماعی (اکوسوک) و یا کمیته دوم و سوم مجمع عمومی (شامل برنامه عمران ملل متحد، برنامه محیط زیست ملل متحد، صندوق جمعیت ملل متحد و ...)، شامل موارد ذیل می‌گردید: ایجاد کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (آنکتاد) در سال ۱۹۶۴ در چارچوب سازمان ملل متحد با هدف اینکه تجارت در خدمت توسعه باشد؛ تصویب طرح «نظام نوین اقتصادی بین‌المللی» در سال ۱۹۷۴ با تلاش کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با هدف ایجاد امکانات و فرصت برابر برای این کشورها در مباحث اقتصادی و اجتماعی؛ تصویب «منشور حقوق اقتصادی دولت‌ها» در دسامبر ۱۹۷۴ در راستای هنجارسازی جهت ارائه سهم بیشتر به این کشورها در تقسیمات اقتصادی؛ برگزاری کنفرانس‌های متعدد در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی تحت نظر سازمان ملل در دهه ۱۹۹۰؛ توجه به مفاهیم «توسعه پایدار»، «توسعه اجتماعی» و «توسعه انسانی» به‌عنوان مبنای ارزیابی توسعه از اوایل قرن بیست و یکم (ظریف و سجادی‌پور، ۱۳۸۷: ۶۵۲-۶۳۰).

^{۲۱} - با وجود این، و علیرغم تلاش‌های صورت گرفته توسط کشورهای مذکور، موفقیت حاصله قابل توجه نبوده است. از جمله علل و عوامل عدم موفقیت این‌گونه کشورها را می‌توان در رویکردها و

سیاست‌گذاری‌های نامناسب از یک طرف، و توسعه نیافتگی دیپلماسی اقتصادی در این کشورها از طرف دیگر، در نظر گرفت. بنابراین، کشورهای در حال توسعه ضرورت دارد که بصورت انفرادی و جمعی دست به اقداماتی بزنند که مهمترین آنها می‌تواند در قالب موارد ذیل مورد توجه واقع شود: کنار گذاشتن پیش فرض‌های نادرست از قبیل رویکرد بازی حاصل جمع صفر و جایگزین نمودن آن با رویکرد مشارکتی در مذاکرات چندجانبه و همه‌جانبه.

۲۲- هدف کشورهای در حال توسعه از جمله جمهوری اسلامی ایران در سازمان‌های بین‌المللی در راستای اصلاح نظام جهانی نیست چراکه تاکنون امکان چنین فرصتی مگر در موارد بسیار محدود ایجاد نشده است.

۲۳- از جمله مثال‌های قابل ذکر در این زمینه می‌توان به مستند ساختن گزارشات به توصیه‌های صندوق بین‌المللی پول در طرح هدف‌مندی یارانه‌ها، یارانه‌های انرژی و افزایش قیمت سوخت در کشور، و یا بیانیه‌های جانبدارانه عدم تعهد از برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. البته، ادبیات و اصطلاحات و تعبیر جدید بسیاری نیز از طریق سازمان‌ها وارد کشور می‌گردد.

۲۴- بطور مثال، اقدام به فروش نفت با قیمت مناسب توسط دولت‌ها به تنهایی امکان پذیر نمی‌باشد. ولی این کار از طریق سازمان اوپک ممکن می‌گردد. اوپک از طریق کاهش سهمیه تولید کشورها می‌تواند به افزایش قیمت نفت در بازار جهانی بپردازد و این درحالیست که مسئولیت قیمت بالای نفت تنها متوجه یک کشور نخواهد بود.

۲۵- بعضاً عضویت در یک سازمان بین‌المللی مستلزم عضویت در سازمان بین‌المللی دیگر است. بطور مثال، پیش از آنکه کشوری بتواند به عضویت بانک ترمیم و توسعه درآید، باید عضو صندوق بین‌المللی پول بشود و یا اینکه عضویت در بنگاه مالی بین‌المللی، موسسه توسعه بین‌المللی و سازمان تضمین سرمایه‌گذاری چندجانبه مستلزم عضویت در بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه است.

۲۶- هر چند که واقعیت حاکی از آن است که با توجه به نفوذ این قدرت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی این امکان بسیار مشکل است، اما در بعضی موارد از قبیل سازمان جهانی تجارت کشورهای کوچکی بوده‌اند که علیه کشوری مثل ایالات متحده آمریکا پرونده‌هایی را به جریان انداخته‌اند و در آنها برنده شده‌اند. البته مهمترین موضوع در این مورد میزان استقلال سازمان‌ها از اعضای خود به‌ویژه قدرت‌های بزرگ است.

۲۷- ائتلاف‌سازی به معنای آن است که یکی از اعضای سازمان‌های بین‌المللی به دنبال جلب موافقت گروهی از اعضا درباره موضع مطلوب خود باشد. البته ائتلاف‌سازی آن هم علیه قدرت‌های بزرگ کاری بس دشوار است. از جمله علل دشواری ائتلاف‌سازی علیه قدرت‌های بزرگ را می‌توان از در قدرت چانه‌زنی و قدرت ائتلاف‌سازی قدرت‌های بزرگ، دارا بودن متحدان طبیعی و وجود ائتلاف‌های قدرتمند

بین کشورهای غربی در بسیاری از مسائل با توجه به منافع مشترک آنها، دارا بودن دست برتر در زمینه‌های علمی و فناوری، دارا بودن نمایندگی‌های قوی در سازمان‌های بین‌المللی، پذیرش آنها به‌عنوان قدرتهای برتر توسط دیگران، دسترسی به منابع اقتصادی و پولی وافر و هزینه نمودن و خرید رای کشورهای کوچک‌تر و فقیر نام برد.

^{۲۸} - ذخائر کشورهای عضو صندوق، یعنی جمع طلا و ارزهای قابل تبدیل به طلا به‌اضافه حق برداشت مخصوص یا به اصطلاح عوام طلای کاغذی و ذخیره در صندوق، تا آخر سال ۱۹۷۰ به ۶۵۳۰۶ میلیون دلار آمریکا می‌رسید که از این مبلغ سهم ایران ۲۰۹ میلیون دلار بود (مشبکی، ۱۳۷۰: ۱۷).

^{۲۹} - از سال ۱۹۸۱ محاسبه ارزش حق برداشت مخصوص بوسیله یک سبد پولی شامل پول پنج کشور عمده صنعتی تهیه می‌شود، این پنج کشور دارای بیشترین سهم در صادرات کالا و خدمات جهانی طی سال‌های ۱۹۷۵-۱۹۷۹ بوده‌اند.

^{۳۰} - سهمیه‌ها و آراء قبل از دور اول افزایش موقت سهمیه‌های کشورهای چین، کره جنوبی، مکزیک و ترکیه که در جریان نشست‌های سالانه در سپتامبر ۲۰۰۶ در سنگاپور به تصویب رسید.

^{۳۱} - سهمیه‌ها و آراء قبل از اجرایی شدن اصلاحات مصوب شده در ۲۸ آوریل ۲۰۰۸ (که از سوم مارس ۲۰۱۱ حالت اجرایی به خود گرفت) که شامل کوزوو و توالو نیز می‌گردد که به ترتیب در ۲۹ ژوئن ۲۰۰۹ و ۲۴ ژوئن ۲۰۱۰ به عضویت صندوق درآمدند.

^{۳۲} - سهمیه‌های برنامه‌ریزی شده‌ای که منعکس‌کننده افزایش موقتی سهمیه‌ها برای ۵۴ عضو، به‌عنوان بخشی از اصلاحات در سهمیه‌ها و حکمرانی توافق شده در سال ۲۰۰۸ می‌باشد.

^{۳۳} - سهمیه‌های برنامه‌ریزی شده‌ای که منعکس‌کننده افزایش در سهمیه‌های موافقت‌شده در چهاردهمین بازبینی عمومی سهمیه‌ها می‌باشد. البته این سهمیه‌ها شامل سهمیه‌های سودان جنوبی نیز می‌باشد که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۲ با سهم اولیه ۱۲۳ میلیون حق برداشت مخصوص به عضویت صندوق درآمد و زمانی که سهمیه‌های چهاردهمین بازبینی حالت اجرایی به خود بگیرد به ۲۴۶ میلیون حق برداشت مخصوص خواهد رسید.

^{۳۴} - آراء پایه به‌عنوان درصد ثابتی (۵,۵۰۲ درصد) از کل آراء (به شرط آنکه آراء کسری وجود نداشته باشند) مطابق اصلاحات حکمرانی محاسبه گردیده است.

^{۳۵} - بعضی از مهمترین توصیه‌های صندوق به قرار ذیل بوده‌اند:

یارانه‌های انرژی: صندوق بر این باور بوده است که به علت پایین بودن نرخ فرآورده‌های نفتی در ایران نسبت به بازار جهانی، دولت مجبور نیست که به فرآورده‌های نفتی یارانه بپردازد. هدف از ارائه توصیه فوق کاهش هزینه‌های دولت اعلام گردید. طی سال‌های اخیر دولت ایران تلاش نمود تا در این مسیر گام بردارد.

هدفمند نمودن یارانه‌ها: صندوق بر این باور بوده است که با حذف یارانه‌ها از بخش‌های غیرضروری از جمله انرژی، بحث توزیع هدفمند یارانه‌ها مطرح خواهد شد و این کار می‌بایست به نحوی به انجام برسد که

اقتشاری از جامعه که نیازمند واقعی به این بارانها هستند، بدان دسترسی داشته باشند. دولت جمهوری اسلامی ایران از زمان تدوین برنامه سوم توسعه کشور از جمله در بند الف ماده ۴۶ قانون برنامه سوم (تنفیذی در برنامه چهارم) و نیز بند ب ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران بر این امر تاکید نموده و اقدامات جدی را در این زمینه به انجام رسانده است. نظام مالیاتی: از جمله موضوعاتی که در این زمینه مورد تاکید واقع شده است، به موضوع مالیات بر ارزش افزوده باز می‌گردد. دولت ایران به لحاظ تاریخی و نیز درآمدهای نفتی دارای نظام مالیاتی کارآمدی که بتواند عدالت اجتماعی را به نحو مطلوب به اجرا درآورد نبوده است. ولی طی حداقل یک دهه گذشته اقدامات قابل توجهی بعمل آمده که از جمله آنها تلاش در راستای کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی و برنامه توجیه افکار عمومی نسبت به مالیات بر ارزش افزوده و اجرای تدریجی آن در جامعه ایران بوده است.

آزادسازی تجارت: صندوق با هدف جذب سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و بهبود تجارت، همواره به کاهش محدودیت‌های تجاری و قوانین تحمیلی بر بخش‌های مختلف اقتصادی را توصیه نموده است. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که درخواست خود مبنی بر عضویت در سازمان جهانی تجارت را ارائه نموده و بخشی از فرآیند عضویت را پشت سرگذرانده است، ناگزیر از فراهم‌نمودن زمینه‌های آزادسازی تجارت در کشور می‌باشد.

پرونده هسته‌ای: صندوق با ارائه نگاه بسیار مثبت از روند جدی مذاکرات هسته‌ای، دستیابی به توافق جامع در پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را زمینه‌ساز افزایش رشد و کاهش تورم در کشور اعلام نموده است.

^{۲۶} - شورای اجرایی شامل ۲۴ مدیر می‌گردد که هر کدام نماینده کشور و یا گروهی از کشورها می‌باشند. بعضی از اعضای شورای اجرایی از طریق انتصاب (۵ کشور ثابت) و بعضی دیگر از طریق انتخاب توسط مابقی اعضا تعیین می‌گردند. بر این اساس، کشورهای ایالات متحده، ژاپن، آلمان، فرانسه، انگلستان، روسیه، چین و عربستان سعودی هر کدام دارای نماینده کشوری و مابقی در قالب ۱۶ گروه جای می‌گیرند.

^{۲۷} - ترانش ذخیره‌ای یا Reserve Tranche Position بخشی از ذخایر خارجی اعضای صندوق بین‌المللی پول است که نزد این نهاد سپرده می‌شود و در صورت نیاز (مثلاً در مواقع بروز بحران ترازپرداخت‌ها) قابل برداشت است. ترانش ذخیره هر کشور معادل تفاضل سهمیه کشور نزد صندوق و میزان پول ملی نگهداری شده آن است.

^{۲۸} - گاه‌شمار تحریم‌های اعمالی علیه این کشور را می‌توان به‌صورت خلاصه به قرار ذیل بیان نمود:

- گروگانگیری: شروع تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به موضوع تسخیر سفارت آمریکا در تهران در تاریخ ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان ۱۳۵۸) و بازداشت و گروگانگیری ۵۲ نفر از

کارکنان این سفارت به مدت ۴۴۴ روز توسط دانشجویان انقلابی این کشور نسبت داد. بر این اساس، دولت ایالات متحده آمریکا تلاش نمود تا از طریق شورای امنیت سازمان ملل متحد، تحریم‌های بین‌المللی را علیه این کشور اعمال نماید که با مخالفت اتحاد جماهیر شوروی سابق مواجه شد. به همین خاطر، دولت آمریکا به صورت یک‌جانبه تحریم‌هایی را علیه جمهوری اسلامی ایران برقرار نمود؛

- جنگ تحمیلی: مرحله بعدی تحریم‌ها به تهدید به تحریم‌های تسلیحاتی ایران توسط سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی به منظور وارد آوردن فشار به این کشور جهت پذیرش قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت یعنی پذیرش صلح مربوط می‌شود؛

- قانون داماتو: مرحله سوم تحریم‌ها به قانون تحریم نفتی داماتو در سال ۱۹۹۵ باز می‌گردد که مطابق آن در ابتدا ممنوعیت سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار، و پس از شش ماه، ۲۰ میلیون دلار در ایران مطرح گردید و در ۵ اوت ۱۹۹۶ به تصویب کنگره آمریکا رسید؛

- پرونده هسته‌ای: یکی از موضوعاتی که از سال ۱۳۸۱ (۲۰۰۲ م.) در سطح ملی در ایران مطرح شد به موضوع پرونده هسته‌ای این کشور مربوط می‌شود که به چالش‌های بین ایران و غرب اضافه شده است. در ابتدا، فشار کشورهای غربی و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در خصوص پرونده هسته‌ای به جمهوری اسلامی ایران، به توافق سعدآباد با سه کشور اروپایی برای تعلیق غنی‌سازی انجامید. در واقع، جمهوری اسلامی ایران تلاش نمود تا از طریق این توافق، از یک طرف، از ارجاع پرونده هسته‌ای خود از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد جلوگیری بعمل آورد، و از طرف دیگر، به دفع تهدیدات نظامی ایالات متحده‌ی مغرور از پیروزی در جنگ در افغانستان و عراق مبادرت ورزد (دولت بوش پسر پس از وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، کشورهای کره شمالی، عراق و جمهوری اسلامی ایران را به‌عنوان "محور شرارت" اعلام نمود). با تغییر شرایط بین‌المللی (ایراد انتقاداتی به مشروعیت حمله به عراق و نیافتن سلاح‌های کشتار جمعی مورد ادعای دولت‌های ایالات متحده و انگلستان در عراق و در نتیجه رفع نسبی خطر حمله نظامی آمریکا به ایران) از یک طرف و نیز تغییر شرایط داخلی (روی کار آمدن دولت نهم)، تغییرات عمده‌ای در نوع نگاه طرفین نسبت به پرونده هسته‌ای ایران حاکم گردید که نتیجه آن، احاله پرونده هسته‌ای ایران از آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به شورای امنیت سازمان ملل متحد بود. پس از آن شورای امنیت از سال ۲۰۰۶ چند قطعنامه علیه این کشور تصویب نمود و تحریم‌های چندجانبه متعددی بر این کشور تحمیل گردید. ادامه این روند به تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا و اتحادیه اروپا (از سال ۲۰۱۰) انجامید.

^{۳۹} - البته از سپتامبر ۲۰۱۳ بازپرداخت‌ها شروع شد.

^{۴۰} - مهمترین ویژگی جهانی‌شدن اقتصاد، برداشتن موانع ملی امور اقتصادی، گسترش بین‌المللی فعالیت‌های تجاری، مالی، تولیدی و رشد فزاینده قدرت شرکت‌های فراملیتی و نهادهای بین‌المللی

است. در حالی که جهانی شدن اقتصادی به‌ویژه با تمرکز بر تجارت و سرمایه‌گذاری فزاینده در چند کشور حامل فرایندی نابرابر می‌باشد، اما تقریباً همه کشورها به طور چشمگیری تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند. به‌عنوان مثال، ممکن است که یک کشور با درآمد پایین، سهمی اندک در تجارت داشته باشد، ولی با تغییراتی در تقاضای کالاهای صادراتی و یا اتخاذ سیاست کاهش تعرفه‌ها بر واردات، می‌تواند آثار اقتصادی و اجتماعی عمده‌ای بر آن کشور برجای گذارد. این کشور ممکن است نقش حاشیه‌ای در تجارت جهانی داشته باشد، اما شاید تجارت، بسیار بیشتر از آنچه که اقتصادهای توسعه‌یافته را تحت تاثیر قرار می‌دهد، آن کشور را متاثر سازد (خور، ۱۳۹۲: ۷).

۴۱- اجلاس سیانزا متشکل از ۲۱ تن از روسای کل بانک‌های مرکزی کشورهای آسیای مرکزی و شرق آسیا می‌باشد و ایران از سال ۱۹۵۶ عضو آن بوده است.

۴۲- موسسه خدمات مالی اسلامی در سال ۲۰۰۱ و با مشارکت ایران بنیان نهاده شد که در زمینه توسعه روابط مالی و بررسی بانکداری اسلامی و با هم‌فکری تمامی کشورهای اسلامی عضو فعالیت می‌نماید.

۴۳- اتحادیه پایاپای آسیا (ACU) به ابتکار کمیسیون اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل برای منطقه آسیا و اقیانوس آرام (اسکاپ) و به‌منظور توسعه تجارت میان کشورهای واقع در منطقه، توسعه همکاری‌های پولی و تاسیس بانک ذخیره آسیا با هدف اعطای کمک‌های ارزی کوتاه مدت به کشورهای عضو بین کشورهای ایران، سری‌لانکا، هندوستان، پاکستان، نپال و بنگلادش در سال ۱۹۷۴ تاسیس گردید.

۴۴- مهم‌ترین اقدامات بین‌المللی صورت گرفته در سال ۲۰۰۶ شامل شرکت رئیس بانک مرکزی ایران در سی و پنجمین اجلاس اتحادیه پایاپای آسیا و شرکت رئیس بانک مرکزی این کشور در اجلاس سالانه صندوق و بانک جهانی در سنگاپور و مذاکره با روسای بانک‌های مرکزی و بانک‌های تجاری در زمینه استمرار و توسعه همکاری‌های بانکی و مذاکره با ادارات مربوطه در صندوق می‌گردد (www.cbi.ir).

۴۵- در این سال مهم‌ترین فعالیت‌های پولی بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران شامل سخنرانی آقای شیبانی، رئیس کل وقت بانک مرکزی در اجلاس بهاره صندوق و بانک پیرامون سلامت بانک‌های ایرانی و صحت عملکرد آنها، نامه آقای شیبانی به ۷۰ رئیس کل بانک مرکزی و روسای موسسات پولی بین‌المللی در خصوص تشریح عملکرد درست و قانونی بانک سپه، اعتراض نماینده ایران در صندوق نسبت به صحت و سقم خبر مربوط به تحریم بانک صادرات توسط آمریکا و شرکت رئیس بانک مرکزی ایران در اجلاس هیات مدیره اتحادیه پایاپای آسیا در بنگلادش مربوط می‌شد (www.cbi.ir).

۴۶- سال ۲۰۰۸: در این سال، آقای مظاهری، رئیس کل وقت بانک مرکزی ایران، در اجلاس بهاره صندوق و بانک ضمن حضور در اجلاس وزرای گروه ۲۴ از مواضع کشورهای در حال توسعه حمایت بعمل آورد. مواضع کشورهای در حال توسعه شامل انجام اصلاحات در سهمیه‌های صندوق به نفع کشورهای در حال توسعه، گرم شدن زمین و تامین مالی توسعه‌ی کشورهای در حال توسعه می‌گردید. سال ۲۰۰۹: آقای بهمنی، رئیس وقت بانک مرکزی ایران در اجلاس بحران مالی جهانی تحت عنوان "آموزه‌ها و تجربیات کشورهای عضو اکو" بر لازم ولی ناکافی بودن اقدامات انفرادی کشورها جهت کاهش آثار ناشی از بحران، پیشنهاد ایجاد صندوق مالی مشترک بین کشورهای اکو، ایجاد بورس کالایی مشترک، سرمایه‌گذاری مشترک، استفاده بیشتر از ظرفیت‌های بانک توسعه و تجارت اکو در راستای کمک به کشورهای آسیب دیده از بحران، ایجاد واحد پول مشترک بین اعضاء اکو تصریح نمود (www.cbi.ir). مطالب فوق حاکی از تقویت منطقه‌گرایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال موضوع مدیریت بین‌المللی پول می‌باشد.

سال ۲۰۱۰: آقای بهمنی در اجلاس بهاره صندوق و بانک در واشنگتن در نشست‌های گروه ۲۴ به موضوعات ذیل اشاره کرد: اتخاذ سیاست‌های وام‌دهی و اعطای کمک‌های فنی و مشاوره‌ای این نهادها بر اساس معیارهای اقتصادی و فارغ از جانبداری‌های سیاسی، لزوم پرهیز کشورهای توسعه‌یافته از سیاست‌های حمایت‌گرایانه شامل اعمال محدودیت تجاری، سرمایه‌گذاری (www.cbi.ir). مطالب فوق حاکی از آن است که در این سال جمهوری اسلامی ایران تلاش نموده است تا بالاترین تاثیر را در اصلاحات سال ۲۰۱۰ صندوق داشته باشد.

سال ۲۰۱۱: رئیس وقت بانک مرکزی ایران در جریان اجلاس بهاره صندوق و بانک با مدیر عامل صندوق ملاقات و ضمن تشریح برنامه هدفمندسازی یارانه‌ها و اصلاحات نظام بانکی و نظام مالیاتی در ایران، نسبت به سکوت صندوق در قبال تحریم‌های یک‌جانبه بعضی کشورها علیه ایران و تاثیرات منفی آن بر ثبات اقتصاد جهانی و بازار نفت اعتراض نمود (www.cbi.ir).

سال ۲۰۱۲: سال ۲۰۱۲ مصادف با وارد آمدن شدیدترین فشارها از سوی تحریم‌ها به اقتصاد ایران و در نتیجه ایجاد نوسانات شدید در نرخ ارز در این کشور بود. در این سال بانک مرکزی تمام تلاش خود را در راستای مدیریت و کنترل اوضاع معطوف داشته بود. با وجود این، هیات ایرانی به ریاست آقای حسینی، وزیر وقت اقتصاد و دارایی ایران در اجلاس بهاره صندوق و بانک شرکت کرد و در جمع وزرای منطقه منا گزارشی از اجرای هدفمندسازی یارانه‌ها در ایران ارائه داد (www.khabaronline.ir). در این سال، یک گروه لابی آمریکایی موسوم به "اتحاد علیه ایران هسته‌ای" به رهبری مارک والاس، سفیر سابق آمریکا در سازمان ملل متحد از صندوق درخواست نمود که در راستای افزایش تحریم‌ها و منزوی کردن هر چه بیشتر جمهوری اسلامی ایران، فعالیت‌های پولی خود را با ایران متوقف نماید که

صندوق در پاسخ اعلام داشت که تحریم‌های ایالات متحده آمریکا و اروپا علیه جمهوری اسلامی ایران هیچ‌گونه تضادی با همکاری‌های صندوق با این کشور ندارد و فعالیت‌های خود را با ایران و بانک مرکزی این کشور متوقف نخواهد کرد (<http://fa.rfi.fr>).

سال ۲۰۱۳: در سال ۲۰۱۳، آقای بهمنی، رئیس بانک مرکزی ایران در نشست گروه ۲۴ در جریان اجلاس بهاره صندوق و بانک، ضمن تاکید بر انجام اقدامات لازم به‌منظور از بین بردن عدم ثبات و افزایش اعتماد و بالابردن میزان رشد، از صندوق و گروه بانک جهانی خواست تا نقش فعال‌تری را در ایجاد اعتماد بیشتر در سیاست‌گذاری اقتصاد جهانی ایفا نمایند (www.cbi.ir).

آقای سیف رئیس جدید بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نیز در اجلاس پائیزه صندوق و بانک شرکت کرد و علاوه بر شرکت در اجلاس گروه ۲۴، با معاون اجرایی صندوق و مسئولین بخش خاورمیانه و گروه میز ایران ملاقات و اولویت این کشور را در بهبود تولید و اشتغال اعلام نمود. وی ضمن تاکید بر اولویت‌های بانک مرکزی جهت برقراری نظام ارزی شناور مدیریت شده و ایجاد ثبات نسبی در بازار ارز، سیاست اصلی بانک مرکزی را بازگشت به شرایط مطلوب و نیز استقلال بانک مرکزی اعلام نمود.

^{۴۷} - بر اساس محاسبات صورت گرفته در سال ۲۰۰۹، ایران بر اساس تولید ناخالص داخلی بر مبنای برابری قدرت خرید (PPP) در رده هفدهم قدرت اقتصادی دنیا قرار داشت.

^{۴۸} - البته این موضوع نیز قابل انکار نیست که خود صندوق (و دیگر نهادهای فوق‌الاشاره) نیز از طریق ارائه یادداشت‌های نظارتی تهیه شده توسط کارکنان خود به مجامع مختلف بین‌المللی از جمله گروه ۷ و گروه ۲۰، پایه و اساس تصمیمات کلیدی را در سطوح جهانی تشکیل می‌دهند و دارای تاثیر متقابل بر آنها می‌باشند (Xafa, 2010, 487). همچنین شورای ثبات مالی و دیگر ارکان نیز دارای نقش‌هایی می‌باشند. ولی در اینجا بحث بر سر ایجاد جریان اصلی در تصمیم‌سازی‌هاست. به تعبیر دیگر، حتی کارکنان نهادهای مذکور نیز بر خلاف جریان اصلی موجود در نظام بین‌الملل حرکت نمی‌نمایند.

^{۴۹} - این رویکرد در سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه ۵ ساله این کشور و پیگیری موضوع رفع تحریم‌ها و مذاکره با ۵+۱ مشهود است.